

Survey of Ten Sasanian Pahlavi Documents of Tabaristān Archive

Nouri, Akram¹ 

Nasrollahzadeh, Sirus² 

linguistic faculty, institute for humanities and cultural studies
Associate Professor, Department of Ancient Iranian Culture and Languages, Institute for Humanities and Cultural Studies

Abstract

In this article, ten of the newly found documents of the Tabaristān archive - related to the first and second centuries of Hijri (8th century) - which were written in Pahlavi script and on parchment, have been discussed. These documents are the first authentic documents of legal processes that confirm Sassanid legal laws were still applied in some areas of Iranshahr during the period of Islamic Iran in the first two centuries of Hijri. At the same time, they obtain very important data from the daily and social life of the people of that time, as well as the legal process; They also prove that in the first two centuries after the arrival of the Arabs in Iran, the continuity of the Pahlavi language and tradition of writing, as the official language and standard of the Sassanid period, was preserved in this region, and as some think, two centuries of silence and stillness has not been ruled on the cultural life of this land. The contents of the letters indicate that these documents are the minutes of the court sessions and related to the resolvent of disputes of people from the village of *Aspgurd of Tsuk Del Delan, which can be examined in the framework of Sassanid laws and legal texts such as Mādiān Hazār Dādestān.

Keywords: 'Tabaristān Documents', 'Sasanian Legal Laws', 'Judicial Documents', 'Mādiān Hazār Dādestān'


1. akramnouri60@gmail.com


2. cyrusnasr@gmail.com

How to cite: Nouri, A., & Nasrollahzadeh, C. (2022). Survey of Ten Sasanian Pahlavi Documents of Tabaristān Archive. *Language and Linguistics*, 18(36), 13-64. doi: 10.30465/lsi.2023.45150.167509:51

بررسی ده سند از اسناد پهلوی ساسانی بایگانی طبرستان

کارشناسی ارشد رشته زبان‌های باستانی ایران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران
دانشیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران

نوری، اکرم 

نصراله‌زاده، سیروس 

چکیده: در این مقاله به ده سند از اسناد تازه‌یافت‌شده بایگانی طبرستان - مربوط به قرن‌های اول و دوم هجری (قرن ۸ م.) - که به خط پهلوی کتابی و بر روی پوست یا پارچه نوشته شده‌اند، پرداخته شده است. این اسناد نخستین اسناد اصیل از روندهای حقوقی است که تأیید می‌کنند قوانین حقوقی ساسانیان همچنان در برخی از مناطق ایرانشهر در دوره ایران اسلامی در دو قرن نخست هجری اعمال می‌شده‌اند؛ ضمن اینکه داده‌های بسیار بااهمیتی از زندگی روزمره و اجتماعی مردم آن روزگار و نیز روند حقوقی به دست می‌دهند؛ نیز اثبات می‌کنند در دو قرن آغازین پس از ورود اعراب به ایران، همچنان تداوم زبان و سنت نوشتن پهلوی، به‌عنوان زبان رسمی و معیار دوره ساسانی، در این منطقه حفظ شده و چنان‌که برخی می‌اندیشند، دو قرن سکوت و سکون بر حیات فرهنگی این سرزمین حاکم نبوده است. محتوای نامه‌ها حاکی از آن است که این اسناد صورت‌جلسه‌های دادگاه و مربوط به حل منازعات افرادی از ده *اسپگرد از تسوک دل‌دلان است که می‌توان روند پیگیری و واژه‌های حقوقی آن‌ها را در چهارچوب قوانین ساسانیان در مقایسه با متون حقوقی همچون *مادیان هزار دادستان* بررسی کرد.

کلیدواژه‌ها: اسناد طبرستان، قوانین حقوقی ساسانیان، اسناد قضایی، مادیان هزار دادستان.

۱ مقدمه

۱-۱ ویژگی‌های اسناد

ده سند نخست مجموعه اسناد طبرستان - به جز سند ۹ که تاکنون خوانده نشده است - نخستین مدارک واقعی و اصیل از روندهای حقوقی دو قرن اول هجری هستند که به‌طور محسوس و زنده‌ای حل و فصل منازعات را بر اساس قوانین حقوقی ساسانی در زمانه‌ای که مسلمانان بر بیشتر مناطق ایرانشهر حاکم شده‌اند، برای خواننده ترسیم می‌کنند. این اسناد از اهمیت بسیار و ویژگی‌های منحصر به فردی برخوردارند، زیرا نه تنها هر سند در آغاز یا انجام خود تاریخ دقیقی دارد، بلکه می‌توان گفت این اسناد علاوه بر اینکه بینشی در مورد روند کلی دادگاه‌های حقوقی این منطقه به دست می‌دهند، نحوه ثبت پرونده‌ها را نیز روشن می‌کنند؛ به همین دلیل، امکان مقابله و سنجش موقعیت‌های واقعی و عینی را با متونی همچون *مادیان هزار دادستان*، که صرفاً شرح قوانین است، فراهم می‌سازند و نیز اولین دلیل برای اثبات این فرضیه هستند که قوانین ساسانی حداقل در مناطق خاصی از ایران در دو قرن اول هجری ادامه داشته است.

از ویژگی‌های مهم اسناد می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

ذکر دقیق تاریخ (روز، ماه، و سال) در آغاز و گاه پایان اسناد که به احتمال زیاد مربوط به دوره پس از یزدگرد سوم است؛
وجود گل‌مشته‌های ضمیمه‌شده به متن‌ها که اداری یا مهر شخصی افراد حاضر در منازعات است. برخی از اسناد به صورت دوتایی به هم متصل شده‌اند و برخی دارای یک گل‌مشته هستند.

مضمون این نامه‌ها درباره مسائل حقوقی و شکایات و درگیری‌های کوچک میان خانواده‌هاست؛ اما متأسفانه این متون غالباً کوتاه، بدون شرح مفصل پیرامون موضوعاتی است که مورد داوری قرار گرفته‌اند. برخی به صورت نامه‌ای هستند که جهت بررسی شکایت به مقام زیردست نوشته شده‌اند و برخی ظاهر صورت جلسه‌های دادگاه را دارند که آنچه در داوری گذشته است، مکتوب و بایگانی می‌کنند؛

در همه نامه‌ها فردی به نام هیربد «فرخ‌ابزود» حضور دارد که بر اساس این اسناد، نقش قاضی یا میانجی را بر عهده دارد که دعوا باید در حضور او حل و فصل شود.

وجود یک سطر و یا گاه چند سطر به صورت عمودی که در بیشتر موارد در پایین سند و در یک مورد (سند ۲۰) در بالای آن یافت می‌شود که می‌توان احتمال داد نام کاتب باشد، اما قطعیت ندارد.

۲-۱ محتوای اسناد

با خواندن نامه‌های ۱ تا ۱۰ درمی‌یابیم به‌جز سند ۵الف - که در مورد شکایت یزد (Yazd) علیه آزادوگ (Āzādōg) است - و سند ۶الف-ب که پیرامون شکایت شیدریش از آزادوگ است، باقی نامه‌ها به شکایت فردی به‌نام یزد و زنی دخت‌خوشی نام از دین‌یدان مربوط می‌شود. به همین دلیل، به‌منظور حفظ پیوستگی محتوا، نخست اسناد ۱الف-ب، ۲ب، ۳ب، ۴الف، ۷الف-ب، ۸الف-ب، و ۱۰الف می‌آید؛ سپس سند ۵الف و در ادامه سند ۶الف-ب ذکر می‌شود.

با توجه به اینکه مضمون این نامه‌ها شکایت و روند قضایی مربوط به اختلافات دو طرف دعوی است بدون اینکه راجع به علت شکایت چیزی بیان شود، این ۹ سند با هم در یک طبقه قرار می‌گیرند. این نامه‌ها بینشی کلی در مورد اسناد قضایی و مراحل حقوقی قانون پهلوی به‌ویژه در دو قرن اول هجری ارائه می‌دهد که می‌توان مراحل آن را طبق این اسناد به‌صورت زیر متمایز ساخت:

در مرحله نخست پس از طرح شکایت در مورد حق مالکیت، مقام مسئول قضایی ناحیه خاص، به مقام زیردست خود دستور می‌دهد دو طرف دعوا را پیش او احضار کند و بررسی اولیه را بر عهده بگیرد.

مقام مسئول برای بررسی اولیه، پس از احضار کردن دو طرف دعوا، از طرفین بازجویی می‌کند؛ از خواننده درخواست می‌کند مالک قانونی (dastwar) خود را برای شهادت به‌نفع خود فراخواند؛ تاریخی را برای جلسه دادرسی و احضار دو طرف دعوا به دادگاه در حضور مقام مسئول قضایی تعیین می‌کند.

در اولین جلسه دادگاه، خواهان و خواننده حاضرند و با صدای بلند تمایل خود را برای وارد شدن به دادخواهی با جمله «شکایت داریم» اعلام می‌کنند. خواننده اظهار می‌دارد: من جلسه بعد با مدارک و شواهد به جلسه دادرسی خواهم آمد. در اسناد ۵ و ۶، مقام مسئول و دو طرف دعوا با یکدیگر تاریخی را برای جلسه دادرسی بعدی تعیین می‌کنند. هر دو طرف خود را متعهد می‌کنند با این جمله که «به جلسه دادرسی خواهیم آمد»، در دادگاه حاضر شوند.

در دومین جلسه دادگاه، خواهان به جلسه دادرسی می‌آید و منتظر می‌ماند، اما خواننده یا وکیل مدافع قانونی او نیامده‌اند (این اولین مانع در اجرای عدالت [azišmānd]^۱ از سوی خواننده است).

۱. واژه ازشماند از: *aziš + š + az* به معنای «از آن» (= مورد حقوقی) + *māndan* (در اینجا به معنای «بازداشتن، ممانعت کردن، جلوگیری کردن»، از ریشه *man*-ماندن، باقی ماندن) تشکیل شده است. ازشماند را «مانع اجرای عدالت شدن»، «تأخیر، عدم حضور، تأخیرانداختن در محاکمه، تعلل در مراحل دادرسی به‌وسیله یکی از طرفین دعوا، سرکشی، تمرد»، «قصور و کوتاهی و اشکال‌تراشی در روند دادرسی» دانسته‌اند؛ و در موضوعاتی چون حق مالکیت (دارایی، برده، زن، دزدی، تاوان، و تناقض‌گویی آمده است. در صورت انجام ازشماند، بسته به موضوع دعوا و تعداد ارتکاب، احکامی چون تاوان، تعیین گرو، و... صادر می‌شد (حاجی‌پور، ۱۳۹۸: ۵۶-۵۷).

در جلسه سوم دادگاه، هر دو طرف حاضرند. خواننده خود را متعهد می‌کند تا شواهد و مدارک را برای حق مالکیت خویش بر دارایی مورد اختلاف با آوردن مالک قانونی پیشین آن دارایی فراهم آورد.

در جلسه چهارم، هر دو طرف حاضرند. خواننده نتوانسته است مالک قانونی دارایی مورد اختلاف را فراخواند و برای بار دوم تعهد می‌دهد تا با حاضر شدن در دادگاه به همراه مالک قانونی آن دارایی، مدارک و شواهد فراهم آورد. جلسه پنجم مشابه جلسه دوم است.

بنابراین، مقام مسئول قضایی به یکی از مقام‌های زیردست خود دستور می‌دهد هر دو طرف دعوا را در یک تاریخ مشخص به دادگاه احضار کند. مقام زیردست نیز دو طرف دعوا را به حضور خود احضار می‌کند و سه اقدام تقریباً مشابه اقدامات مرحله دوم فوق را انجام می‌دهد.

جلسه نهایی دادگاه مشابه جلسه دوم و پنجم است. اگرچه نتیجه این پرونده‌ها در سند ذکر نشده است، عدم حضور در دادگاه «اهانت به دادگاه» یا «ممانعت از دادرسی» تلقی می‌شود، که در نهایت بعد از سه بار تکرار شدن، به حکم علیه طرفی که از احضاریه پیروی نکرده است، منتهی می‌شود. می‌توان تصور کرد به‌خصوص در مورد نخستین پرونده، احتمالاً با صدور حکم به نفع خواهان خاتمه یافته است.

در ادامه نخست، شرحی کلی از سند آورده می‌شود؛ سپس، صورت حرف‌نویسی و آوانگاری اسناد طبرستان بر اساس خوانش دیترویر می‌آید. تلاش شده است با نگاهی کلی بر تفسیر ماریا ماتسوخ، ترجمه‌ای از اسناد ارائه شود که با زبان فارسی و جامعه این اسناد مطابقت بیشتری داشته باشد؛ پس از آن، تعلیقات که شامل معنی واژه‌ها و ریشه‌شناسی آنهاست ارائه می‌شود.

طبرستان الف^۱

معرفی سند

سند پایینی زودتر از سند بالایی نوشته شده و تاریخ‌گذاری دو نامه این گفته را تصدیق می‌کند و تأیید می‌شود که یک روز میان آنها فاصله وجود دارد. در واقع، نامه بالا پاسخ فوری به نامه

1. Doc. Tab. 1A (Gignoux, 2012: 36)

اولی است. سند الف تکه‌ای از پارچه به ابعاد $۱۱/۲۶ \times ۲۱/۹۶$ سانتی‌متر است که متنی با ۱۳ سطر دارد و یک گل‌مشته در بالا سمت راست، آن را به سند اب پیوند داده است. سند بالا، اب، متنی روی پارچه با ۱۵ سطر، به ابعاد $۱۰/۵۲ \times ۱۹/۲۱$ سانتی‌متر، با گل‌مشته‌ای در پایین سمت راست سند است (ژینیو^۱، ۲۰۱۲: ۴۱) اثرمهرهای آمده روی گل‌مشته این سند مشابه اثرمهرهای روی سند ۱۱۰ الف است (همان). این مهر تندیس نیمه‌تنه مردی را دربردارد که دارای کتیبه‌ای به فارسی میانه است، اما به دلیل کیفیت پایین تصویر، فقط بخشی از آن خوانده شده است. احتمالاً یک اسم خاص است که به Burz- ختم شده است (گیزلن^۲، ۲۰۱۲: ۱۰۰).

محتوای سند

تاریخ: ۱۲ دی سال ۸۶

سند الف با درخواستی (در قالب نامه) از هیربدی به نام فرخ‌ابزود، به یک مقام قضائی دیگر به نام آزادخسرو آغاز می‌شود که آگاهی می‌دهد شکایتی از سوی خانواده‌ای (دودمانی) یزد نام و زنی به نام دخت‌خوشی ثبت شده است. او به آزادخسرو دستور می‌دهد آن دودمان یا خانواده دین‌یدان را که علیه آن‌ها شکایت شده است، به همراه شاکیان در تاریخ معینی به جلسه دادرسی در حضور خود (آزادخسرو) برای استماع دعوی احضار کند.

شاید علت اینکه هنوز در این نامه اصطلاحات خواهان (شاکیی) و خوانده (متهم) به کار نرفته این باشد که شکایت هنوز به دادگاه نرسیده است و ابتدا باید تحقیقات اولیه با حضور شاکیان انجام شود. همچنین، باید توجه داشت که زنی به نام دخت‌خوشی در طرح شکایت دخیل است. اگرچه زنان از نظر قانونی محدود و تازمانی که در سالاری و تحت قیمومیت مرد بودند، سرپرست خانواده نماینده آن‌ها در دادگاه بود، بسیاری از پرونده‌های مدنی در کتاب *مادیان هزار دادستان* وجود دارد که در آن‌ها بانوی بیوه خانه نقش برجسته‌ای در دعاوی قضایی ایفا می‌کند؛ به‌ویژه در مورد اختلافات بر سر دارایی یا بدهی خانواده پس از فوت صاحبخانه، که در این هنگام زن از همان حقوق برخوردار می‌شد. در این موارد، سرپرست خانواده - که جایگزین پدر فوت‌شده خانواده است - و بانوی خانه (*kadag-bānūg*) می‌توانند با هم اقدامات قانونی را انجام دهند (ماتسوخ^۳، ۲۰۱۶: ۱۵۹) یکی از این موارد در این سند دیده می‌شود.

در نتیجه، می‌توان گفت این سند به دلیل این شکایت، ماهیت حقوقی دارد. اگرچه در

1. Gignoux

2. Gyselen

3. Macuch

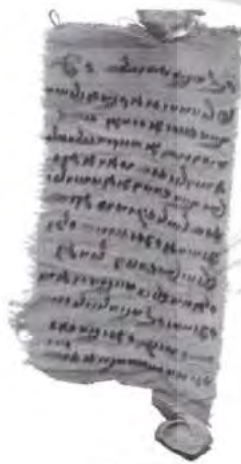
این سند به واژه هیرید اشاره نشده است، از سند اب می‌توان به عنوان او پی برد. موضوع مهمی که از بررسی این دو سند درمی‌یابیم توجه به این نکته است که داوری باید در حضور هیرید انجام شود که در کسوت واسطه اختلافات ظاهر می‌شود که علاوه بر مقام روحانی که وظیفه تدریس را بر عهده دارد، در اینجا فردی مذهبی محسوب می‌شود که در سمت قاضی نیز عمل می‌کند.

حرف‌نویسی

1 OL 'nwš'dyb't 'c't-hwslwḅ nc
 2 plhw-'pzw't ŠRM KBD MN glčšn' Y
 3 GBRAn Y yzdt' ŠM W NYŠE HD
 4 dwhthwšyh ŠM tswk' Y dyl' Y dyl'n
 5 MN 'spgwlt' MTA AYT MNDOM MNW
 6 l'd GBRAn Y dynyt'n ŠM MN ZK 'spgwlt'
 7 MTA LOYN' LK BYN' 'p'yt MROH
 8 AMT-š ZNE n'mk' 'dwy'n' Y OLE
 9 glčšn' l'd dynyt'n LWTE
 10 OLE-šn Y glcyt PWN BYRH W YWM Y
 11 n'mčšt' OL gw'b' Y LOYN' LK wsydy
 12 'y OBYDWNtyZNE n'mk' BYRH ddw'
 13 QDM ŠNT XX-XX-XX-XX-III-III WYWM
 m'h krt

آوانویسی

ō anōšayād Azād-Xusrō namāz
 Farroxabzūd drōd was az garzišn ī
 mardān ī Yazd nām ud zan-ēw
 Duxtxwaših nām tasūg ī Dēl ī Dēlān
 az Aspgurd dēh ast tis kē
 rāy mardān ī Dēnyadān nām az ān Aspgurd
 deh pēš to andar abāyēd xwadāy
 ka-š ēn nāmag ēwēn ī ōy
 garzišn rāy Dēnyadān abāg
 awešān ī garzēd pad māh ud rōz ī
 nāmčīšt ō gōw ī pēš tō wisē
 ē kunēd ēn nāmag māh Day
 abar sāl 86 ud rōz Māh kard*



Tahirovsk 1A (table 0.751)

برگردان فارسی

- ۱- به انوش‌یاد آزادخسرو، نماز!
- ۲- (از) فرخ‌ابزود با درود بسیار؛ از برای شکایت
- ۳- مردی به نام یزد و زنی
- ۴- به نام دخت‌خوشی، از تسوگ (ربع) دل‌دلان
- ۵- از ده اسپگرد، برای موضوعی (امری) است که
- ۶- مردی دین‌یدان نام از آن ده اسپگرد
- ۷- باید پیش تو حاضر شود. ای سرور،
- ۸- هنگامی که این نامه حقوقی را (دریافت کنید)
- ۹- برای شکایت قانونی (یزد)،
- ۱۰- دین‌یدان را همراه با آن‌هایی که شکایت کرده‌اند
- ۱۱- برای گفتن (= استماع دادرسی) پیش تو در ماه و روز معین باید احضار کنی.
- ۱۲- این نامه در ماه دی
- ۱۳- سال ۸۶ روز ماه (دوازدهمین روز) نوشته شد.

سند اب^۱ محتوای سند

تاریخ: روز تیر (روز سیزدهم)، ماه دی، سال ۸۶

سند اب ادامه سند الف است و مأمور - آزادخسرو - به درخواست هیربد - فرخ‌بزود - پاسخ می‌دهد.

او، در نامه پاسخ، نخست اسامی خواهان/شاکیان و دستورات فرخ‌بزود را دقیقاً تکرار می‌کند. سپس به فرخ‌بزود اطلاع می‌دهد که سه اقدام را انجام داده است: ۱- او براساس دستورات نامه اخیر هیربد، از طرفین بازپرسی کرده است. ۲- از خوانده، دین‌یدان، خواسته است که سلف قانونی خود را فراخواند. ۳- تاریخ مشخصی را برای جلسه دادرسی و احضار طرفین برای حضور نزد هیربد فرخ‌بزود مشخص کرده است. اقدام دیگری که آزادخسرو انجام داده این است که از دین‌یدان می‌خواهد سلف قانونی خود را، با توجه به ماهیت شکایت، فراخواند: این سند در مورد اختلاف بر سر تصاحب/تملک دارایی خاصی است که به‌صراحت در پرونده شرح داده نشده است. جلسه مقدماتی در حضور آزادخسرو در اینجا پایان می‌یابد. پیگیری رسمی، طبق سند بعدی، در همان روز آغاز می‌شود.

در دوره ساسانی، داوری در دادگاه‌هایی انجام می‌شد که نه‌تنها در شهر عمده هر ناحیه یا تسوگ ولایت (شهر) وجود داشت، بلکه تقریباً در همه نواحی روستایی هر تسوگ نیز به‌چشم می‌خورد. دادگاه‌ها به دادخواست‌های کسانی که در محل سکونت نداشتند نیز رسیدگی می‌کردند و آن‌ها ملزم نبودند برای حضور در دادگاه راه درازی طی کنند، اما می‌توانستند از طریق نمایندگان قانونی خود دادخواست خود را پیگیری کنند. پس از آنکه دادخواستی به دادگاه آورده می‌شد، فرایند داوری طی دو مرحله اتفاق می‌افتاد و با دادرسی مقدماتی در برابر داوران آغاز می‌شد. هنگام دادرسی، دو طرف دفاعیه خود را می‌خواندند و گفته‌های آن‌ها در دفتری (پرسش‌نامه) ثبت می‌شد و طرف‌های دعوا پای آن را امضا می‌کردند. پس از آن، دو طرف دعوا مدارک خود را به دادگاه نشان می‌دادند و گواهان خود را معرفی می‌کردند. قاضی ملزم بود در درستی اسناد و مهرهایی که بر آن‌ها زده شده تحقیق کند و نیز هویت اشخاص، جنسیت، سن آن‌ها، نام و نام خانوادگی، و زیستگاه همیشگی ایشان را احراز و ثبت کند. اگر خواهان یا خوانده از طریق وکیل قانونی اقدام می‌کردند، این وکیل پیش از آنکه قاضی به وی

1. Doc. Tab. 1B (Gignoux, 2012: 36)

اجازه دهد در دعوا وارد شود، باید با نشان دادن مدارک به دادگاه، وکالت خود را ثابت کند. پس از آن، دادرس تصویب می‌کرد که دعوا برای دادرسی مطرح شود و روزی را که باید دادگاه برای رسیدگی به دعوا تشکیل جلسه دهد، تعیین می‌کرد. برابر قانون، حداکثر زمان میان آغاز اقامه دعوا و رسیدگی به آن یک سال بوده است. روز دادرسی، دو طرف دعوا و گواهان آن‌ها باید در دادگاه حاضر می‌شدند و هرکدام حرف‌هایشان را می‌زدند و مدرک خود را به دادگاه تسلیم می‌کردند. جریانات دادرسی در دفتری ثبت و دفتری که گفت‌وشنودهای دادگاه در آن ثبت می‌شد سخون‌نامک (-saxwan nāmak) نامیده می‌شد (پریخانیان، ۱۳۸۹: ۶۸-۶۵).

حرف‌نویسی

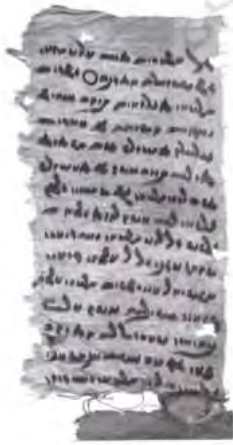
- 1 OL hylpt' Y MROH plhw-'pzw't'
- 2 nc'c't-hwslwḅ ŠRM KBD O n'mk' Y
- 3 hylpt' MN glčšn' Y GBRA n Y yzdt' ŠM
- 4 <W> NYŠE HD thtdwhš ŠM tswk' Y
- 5 dyl'dyl'n MN 'spgwl't' MTA AYT MNDOM
- 6 MNW l'd GBRA n Y dynyt'n ŠM MN ZK'spgwl't'
- 7 MTA LOYN' hylpt' BYN-'p 'ystn' OLE
- 8 glčšn'l' ddynyt'n LWTE OLE-šn Y
- 9 gleyt OL LOYN' hylpt' wsydy krt'n'
- 10 'p'ryk-c ZK CBW OL L plmw't' krt'n'
- 11 z'dstn-tl PWN n'mk' Y hylpt' plmw(t)
- 12 krt'n' dstwblyh dynyt'n pl'c
- 13 BOYHWNst ZK ptk'l l'd ZNE BYRH
- 14 ddw' QDM ŠNT XX-XX-XX-XX-III-IIIYWM ty[l]
- 15 OL gwb' Y LOYN' hylpt' wsydy krt'

آوانویسی

- ō hērbēd ī xwadāy Farroxabzūd
 namāz Āzād-Xusrō drōd was O nāmāg ī
 herbed az garzišn ī mardān ī Yazd nām
 <ud> zan-ēw Duxtxwaših nām tasūg ī
 Dēl-Dēlān az Aspḡurd deh ast tis
 kē rāy mardān ī Dēnyadān nām az ān
 Aspḡurd
 deh peš hērbēd andar abāyistan ōy
 garzišn rāy Dēnyadān abāg awēšān ī
 garzēd ō peš hērbēd wisē kardan
 abārīg-iz ān xīr ō man framūd kardan
 zāyistan-tar pad nāmāg ī hērbēd framūd
 kardan dastwarīh Dēnyadān frāz
 xwāstan pahikār rāy ēn māh
 Day abar sāl 86 rōz Tīr
 ō gōw ī peš hērbēd wisē kard

برگردان فارسی

- ۱- به هیربد سرور، فرخ‌ابزود،
- ۲- نماز! (از) آزادخسرو با درود بسیار O نامه
- ۳- هیربد از برای شکایت مردی یزد نام
- ۴- و زنی دخت‌خوشی نام از
- ۵- از تسوگ (ربع) دل-دلان از ده اسپگرد، برای موضوعی (امری) است که
- ۶- مردی به نام دین‌یدان همراه با آن‌هایی از آن ده اسپگرد
- ۷- باید پیش هیربد (حاضر شود)، برای



Tabrizi 13 (akad 577-5)

- ۸- شکایت او، دین‌یدان همراه با آن‌هایی که شکایت کرده‌اند
- ۹- باید نزد هیرید احضار شوند.
- ۱۰- نیز آن امر دیگر را که به من فرمود
- ۱۱- انجام دهم: بررسی/پرسش بیشتر برای نامه هیرید که دستور داده است
- ۱۲- انجام شود، او دستوری دین‌یدان را درخواست کرد
- ۱۳- برای آن مجادله. این ماه
- ۱۴- دی، در سال ۸۶، روز تیر (روز سیزدهم)،
- ۱۵- برای گفتن (=استماع دادرسی) پیش هیرید احضار کرد.

طبرستان ب ۲^۱

سند پارچه‌ای به ابعاد ۱۲٫۹۳×۲۲٫۲۳ سانتی‌متر، که آغاز سطرها در سمت راست از بین رفته است؛ سند در ۸ سطر آمده و انتهای این سند نام خاص «Farrox-būdān» به صورت عمودی نوشته شده که با یک دایره خاتمه یافته است (ژینیو، ۲۰۱۲: ۴۲).

در بالا و میانه سند، گل‌مشته‌ای پیوست شده است که احتمالاً برای وصل کردن سند دوم (ب ۲) که امروز گم شده، استفاده می‌شده است. این سند فقط حاوی یک مهر در بالاست و هیچ اثری از مهر در قسمت پایین وجود ندارد.

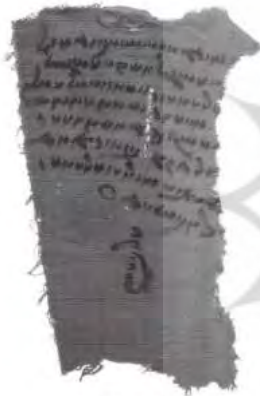
محتوای سند

تاریخ: ۱۳ دی سال ۸۶

در اولین جلسه از پیگیری رسمی در حضور فرخ‌ابزود، برای نخستین بار مشخصاً به یزد به عنوان «خواهان: pēšēmāl» و دین‌یدان به عنوان «خواننده: pasēmāl» اشاره می‌شود. هر دو طرف تمایل خود را برای ورود به دادخواهی بانگ کردند: شکایت دارم! با این بیانیه، هر دو طرف خود را به انجام اقدامات قانونی و فراهم کردن اسناد و شواهد برای ادعایشان متعهد می‌کنند. خواننده، دین‌یدان، اظهار می‌دارد که او در تاریخ مشخص (۲۱ دی سال ۸۶) به همراه شواهد و مدارک به جلسه دادرسی در حضور فرخ‌ابزود خواهد آمد (Macuch, 2016: 159).

1. Doc. Tab. 2B (Gignoux, 2012: 42)

حرف‌نویسی	آوانویسی
1 ZNE BYRH] ddw' QDM ŠNT XX-XX-XXXX-III III W YWM tyl	ēn mäh] Day abar sāl 86 ud rōz Tīr
2 yzdt] Y pyšym'1 dynyt'n Y psym'1	Yazd] ī pēšēmāl Dēnyadān ī pasēmāl
3 LOYN'] (p)lhw-'pzw't' MNW tswk' Y dyl Y dyl'n	pēš] Farroxabzūd kē tasūg ī Dēl ī Dēlān
4 MTA] YHWWNt HWEnd 'p-šn 'knyn w'ng	deh] būd hēnd u-šān āgenēn wāng
5 OBYDW]Nt AYK glc(y)m dynyt'n gwpt'	kar]d kū garz(ē)m Dēnyadān guft
6 AY]K MN cym [W] bwcšn' KHDE YWM	k]ū man az čīm [ud] bōzišn hammis rōz
7 l']m Y BYRH ddw' LOYN' plhw-'pzw't'	rā]m ī mäh Day pēš Farroxabzūd
8] OL gw'b' YATWNm ○] ō gōw āyēm ○
Vertically plhwbt'n	Farrox-būdān



برگردان فارسی

۱- این ماه دی سال ۸۶ و روز تیر (روز سیزدهم)

۲- (یزد) خواهان، دین‌یدان خوانده

۳- پیش فرخ‌ابزود از تسوگ دل دلان از ده اسپگرد،

۴- حاضر بودند، آن‌ها با یکدیگر بانگ کردند:

۵- ما شکایت داریم. دین‌یدان گفت که

۶- من همراه با شواهد و مدارک روز

۷- رام (بیست‌ویکم)، ماه دی پیش فرخ‌ابزود

۸- برای گفتن (=استماع دادرسی) خواهم آمد.

عمودی

فرخ‌بودان

طبرستان ۳(ب)؟^۱

معرفی سند

سند پارچه‌ای به بلندی ۲۴/۲۲ و پهنای ۷/۳۹ سانتی‌متر، که سند اصلی در ۸ سطر و متن عمودی در ۳ سطر نوشته شده است. در سمت چپ این متن عمودی، گل‌مشته‌ای وصل

1. Doc. Tab. 3B (Gignoux, 2012: 42)

شده است. در میانه، دومین گل‌مشته وصل شده است که احتمالاً این سند را به سند سومی وصل می‌کرده که متأسفانه گم شده است (ژینیو، ۲۰۱۲: ۴۴).
این سند فقط حاوی یک مهر در بالاست و هیچ اثری از مهر در قسمت پایین وجود ندارد؛ اما تنها سندی است یک مهر نیز در گوشه سمت چپ دارد. می‌توان احتمال داد که این مهر تأییدکننده سه خط عمودی باشد که در گوشه سند نوشته شده است: ((تا) (ماه) بهمن، (روز) ارد منتظر ماند. تیرگشنسپ).

محتوای سند

تاریخ: روز رشن (هجدهمین روز)، ماه دی، سال ۸۶

دومین جلسه در حضور فرخ‌ابزود: خواهان - یزد - به جلسه دادرسی آمده است و منتظر است، درحالی‌که خوانده دین‌یدان و وکیل مدافع او نیامده‌اند. متن عمودی در انتهای سند ثبت می‌کند که چه مدت خواهان در محل دادرسی منتظر خوانده می‌ماند تا بیاید: تا روز ۲۵ از ماه بهمن سال ۸۶ (بیش از یک ماه). به نظر می‌رسد خواهان زود می‌رسد، زیرا تاریخ مشخص شده برای این جلسه دادرسی (طبق سند ۲ب) ۲۱ (و نه ۱۸) دی سال ۸۶ بود. اگرچه خواننده در تاریخ مشخص شده در دادگاه حاضر نمی‌شود، او طبق تاریخ ذکر شده در سند بعدی، در طول مدت اقامت خواهان در محل دادرسی حضور پیدا می‌کند (ماتسوخ، ۲۰۱۶: ۱۵۹).

حرف‌نویسی	آوانویسی
1 ZNE BYRH ddw' QDM ŠNT	ēn mäh Day abar sāl
2 XX-XX-XX-XX-III III YWM lšn'	86 rōz Rašn
3 yzdt' Y pyšym'l LOYN'	Yazd ī pēšēmāl pēš
4 plhw'pzw't' Y tswk'-c	Farroxabzūd ī tasūg-iz
5 Y dyl Y dyl'n MTA OL	ī Dēl ī Dēlān deh ō
6 gwb' YATWNt NTRWNt	gōw āmad pād
7 W dynyt'n Y psym'l	ud Dēnyadān ī pasēmāl
8 W y'tk-gwb'-c' LA YATWNt	ud jādag-gōw-iz nē āmad
Vertically	Verticalement
1 whwmn' 'lt'	Wahman Ard
2 MNW OL NTRWNt ○	kē ō pād ○
3 tylgwsnsop' ○	Tirgušnasp ○

برگردان فارسی

۱- این ماه دی، سال

۲- ۸۶، روز رشن (روز هجدهم)



Tahariz, XB 71 (Tabriz, 1751)

- ۳- یزد خواهان پیش
- ۴- فرخ‌ابزود (= هیربد) هم از تسوگ
- ۵- دل دلان از ده (اسپگرد)،
- ۶- برای گفتن (=استماع دادرسی) آمد (و) منتظر ماند
- ۷- (و) دین‌یدان خوانده نیامد
- ۸- و نیز وکیل مدافعش.

عمودی

- ۱- (تا) (ماه) بهمن، (روز) ارد (روز بیست و پنجم)
- ۲- منتظر ماند.
- ۳- تیرگشنسپ

طبرستان الف^۱ (ژینیو ۴ب در نظر گرفته است)

معرفی سند

این سند روی پارچه‌ای به ابعاد ۱۴/۲×۲۱/۴۶ سانتی‌متر نوشته شده و در سمت چپ به‌ویژه در پایان سطرهای چهارم تا دهم از بین رفته است. ۱۱ سطر دارد و یک واژه که به‌صورت عمودی در انتهای سند نوشته شده است (ژینیو، ۲۰۱۲: ۴۶).

در میانه بالای این سند یک مهر قرار دارد اما هیچ اثری از مهر در قسمت پایین جایی که یک گل‌مشته باید سند دوم را به آن وصل می‌کرده، وجود ندارد. در تصویری که از سند داریم، نمی‌توان گل‌مشته احتمالی را که در پایین سمت راست وصل شده است، تشخیص داد (گیزلن، ۲۰۱۲).

محتوای سند

تاریخ: روز دی به دین، ماه بهمن، سال ۸۶

در جلسه سوم در حضور فرخ‌ابزود هر دو طرف شرکت کرده‌اند. سند نخست اشاره می‌کند که هم خواهان - یزد - و هم خوانده - دین‌یدان - نزد فرخ‌ابزود برای دادخواهی اقدام می‌کنند؛ سپس بیانیه‌ای که احتمالاً (به‌دلیل آسیب‌دیدگی سند) توسط خوانده گفته شده است ثبت می‌کند، که خود را متعهد می‌کند شواهد و مدارکی را برای تملک قانونی

1. Doc. Tab. 4A (Gignoux, 2012: 46)

خود از دارایی مورد مناقشه، که در اصل متعلق به خانواده یا طایفه ماهوی است، ارائه دهد. او خود را متعهد می‌کند با سلف قانونی آن ملک - که ماهوی نامیده می‌شود - در تاریخ مشخص شده (۱۲ دی سال ۸۶) در جلسه دادرسی حاضر شود (ماتسوخ، ۲۰۱۶: ۱۶۲).

حرف‌نویسی	آوانویسی
1 ZNE BYRH whwmn QDM ŠNT XX-XXXX-XX-III III YWM[ēn mähWahman abar sāl 86 rōz[
2 ddw' PWN d yn' yzdt' Y pyšym'l dynyt'n[Day pad Dēn Yazd ī pēšēmāl Dēnyadān [
3 Y psym'l LZNE d'tst'n l'd LOYN'	ī pasēmāl im dādestān rāy pēš
4 plhw-'pzw't' Y tswk'-c Y [dyl' Y dyl'n]	Farroxabzūd ī tasūg-iz ī [Dēl ī Dēlān]
5 MTA YHWWN HWEnd ..[deh būd hēnd ..[
6 gwpt' AYK L MN cym W bwcšn[guft kū man az čim ud bōzišn[
7 d'stn' 'p'ystn' ZK hw'stk' Y GBRAn[Y	dāstan abāyistan ān xwāstag ī mardān[ī
8 m'hwy ŠM YHWWN W ADYN-šM[N	Māhōy nām būd ud ēg-iš a[z
9 dstwbl Y ZK hw'stk' KHDE YWM	dastwar ī ān xwāstag hammis rōz
10 m'h Y BYRH spndrmt Y LZNE (Š)[NT	Māh ī mäh Spandarmad ī im (s)[āl
11 XX-XX-XX-XX-III III LOYN' plhw-'pzw't'OL gwb' YATWN[m	86 pēš Farroxabzūd ō gōw āy[ēm
<i>Vertically</i> tylgwšnsp	Tīrgušnasp



برگردان فارسی

- ۱- این ماه بهمن، سال ۸۶، روز
 - ۲- دی به دین (روز بیست و سوم)، یزد خواهان، دین‌یدان
 - ۳- خوانده: برای این دعوی حقوقی، پیش
 - ۴- فرخ‌ابزود، هم از تسوگ [دل‌دلان]
 - ۵- از ده (اسپگرد) حاضر بودند،
 - ۶- گفت که «من همراه با مدارک و شواهد
 - ۷- برای حق تملکم بر/در اختیار داشتن آن اموال که از آن مردی
 - ۸- به نام ماهوی بود،
 - ۹- و سپس همراه با سلف قانونی/دستور آن اموالش، روز
 - ۱۰- ماه (روز دوازدهم)، ماه سپندارمذ این سال
 - ۱۱- ۸۶ پیش فرخ‌ابزود برای گفتن (=استماع دادرسی) بیایم/خواهم آمد.
- عمودی: تیرگشنسپ

طبرستان ۷الف^۱

معرفی سند

دو سند روی پوست با گل‌مشته‌ای در میانه به هم وصل شده‌اند. سند بالا (۷الف) به ابعاد ۱۱٫۶۷×۱۲٫۶۶ سانتی‌متر، و ۱۰ سطر دارد. سند پایین (۷ب)، به ابعاد ۱۴٫۳۲×۱۵٫۲۹ سانتی‌متر، دارای ۶ سطر است و هر دو سوراخ‌هایی دارند که البته مانع از درک متن نمی‌شود (ژینیو، ۲۰۱۲: ۵۴). وجود دو تاریخ در سند نشان می‌دهد این سند دو تایی شامل حضور در دادرسی در یک روز ثابت و روزی که تصمیم‌گیری خواهد شد است. قطعاً حضور در جلسه دادرسی بر تصمیم‌گیری مقدم است و بنابراین ترتیب اسناد در اینجا این‌گونه است که قدیمی‌ترین سند در بالا قرار دارد.

سند ۷الف یک گل‌مشته در بالا و دو اثر مهر دارد، و در سند ۷ب گل‌مشته‌ای در بالای آن قرار دارد که آن را به سند ۷الف وصل کرده است. مهرهای این سند (همچون مهرهای ۲ب، ۳ب، ۵الف، ۶الف-ب، ۷ب) در میانه بالای سند است که همگی شامل دو اثر مهر از مهرهای برجسته با نقوش حیوانی هستند: گوزن، قوچ، و پرنده و نیز دایره‌ای در پایان سند دارند.

محتوای سند

تاریخ: روز ۱۲، ماه اسفند، سال ۸۶

این جلسه دقیقاً در تاریخی که در سند ۴الف تعیین شده است، برگزار می‌شود. از آنجایی که این سند تقریباً مشابه سند ۴الف است، به نظر می‌رسد خواننده نتوانسته است به تعهدی که در سند ۴الف داده بود مبنی بر آوردن سلف قانونی خود در تاریخ تعیین شده به‌عنوان شاهد برای اثبات توضیح خود عمل کند.

نخست، یادآور می‌شود که هر دو طرف، «یزد: خواهان» و «دین‌یدان: خواننده»، پیش فرخ‌بزود در مورد پرونده مذکور اقدام می‌کنند. سپس، همان اظهارات خواننده را ثبت می‌کند که مجدداً خود را متعهد می‌کند شواهد و مدارکی برای مالکیت قانونی خود در مورد دارایی مورد مناقشه، که در اصل به خانواده یا دودمان ماهوی تعلق دارد، فراهم آورد. او مجدداً خود را متعهد می‌کند به‌همراه سلف قانونی آن دارایی، یعنی ماهوی، در تاریخ تعیین شده (۱۱ فروردین سال ۸۷) در جلسه دادرسی حاضر شود. این سند به دو دلیل بسیار جالب است: ۱- به‌طور قطعی ثابت می‌کند که dastwar نماینده قانونی به‌معنای وکیل دارای

1. Doc. Tab. 7A (Gignoux, 2012: 54)

حکم نبود. ۲- نشان می‌دهد نحوه تهیه شواهد با فراخواندن سلف قانونی شخص در عمل چقدر دشوار بوده است. دادگاه حاضر بود امتیازاتی بدهد تا خواننده بتواند پرونده خود را اثبات کند (ماتسوخ، ۲۰۱۶: ۱۶۲).

حرف‌نویسی	آوانویسی
1- BYRH spndrmt QDM ŠNT XX-XX-XX XX-III III W YWM m'h	māh Spandarmad abar sāl 86 ud rōz Māh
2- yzdt' Y pyšym'l dynyt'n Y psym'l LZNE	Yazd ī pēšēmāl Dēnyadān ī pasēmāl im
3- d'tst'n l'd LOYN' plhw.'pzw't MNW tswk' Y	dādestān rāy pēš Farroxabzūd kē tasūg ī
4- dyl'dyl'n MT YHWWNt HWEnd dynyt'n Y	Dēl-Dēlān deh būd hēnd Dēnyadān ī
5- psym'l gwpt' AYK L 'dwyn' MN cym W bwcšn'	pasēmāl guft kū man *ēwēn* az čim ud bōzišn
6- d'stn' (*p'yst)n' ZK hw'stk' Y GBRA n Y m'hw y	dāštan (abāyist)an ān xwāstag ī mardān ī Māhōy
7- ŠM YHWWNt ADYN-š MN dstwbl Y ZK hw'stk'	nām būd ēg-iš az dastwar ī ān xwāstag
8- KHDE YWM hwl Y BYRH plwltyn Y nzdst'	hammis rōz Xwar ī māh Frawardīn ī nazdist
9- LZNE ŠNT XX-XX-XX-XX-[I]III III LOYN' plhw'pzw't OL gwb'	im sāl 87 pēš Farroxabzūd ō gōw
10-YATWNm	āyēm
Vertically	
d yn'whrmzd	Dēnōhrmazd



Figure 1: A fragment of a clay tablet with cuneiform inscriptions.

برگردان فارسی

- ۱- ماه سپندارمذ، سال ۸۶ و روز ماه (روز دوازدهم)
- ۲- یزد خواهان، دین‌یدان خواننده برای این
- ۳- دعوی حقوقی پیش فرخ‌ابزود از تسوگ
- ۴- دل-دلان از ده (اسپگرد) حاضر بودند. دین‌یدان
- ۵- خواننده گفت که من با مدارک و شواهد قانونی
- ۶- حق مالکیت آن اموال، که از آن مردی به نام ماهوی

- ۷- بود، و نیز همراه با سلف قانونی آن اموالش
 ۸- (در) روز خور (روز یازدهم) آغاز ماه فروردین
 ۹- این سال ۸۷، پیش فرخ‌ابزود برای گفتن (=استماع دادرسی)
 ۱۰- خواهم آمد.
 عمودی: دین‌اورمزد.

طبرستان ۷ب^۱ محتوای سند

تاریخ: روز خور (روز یازدهم) فروردین، سال ۸۷

این متن دقیقاً در تاریخ تعیین‌شده در سند ۷الف برای خواننده، دین‌یدان، جهت فراهم‌آوردن مدارک از طریق فراخواندن سلف قانونی خود برای شهادت‌دادن در دادگاه ثبت شده است. جدا از تاریخ، محتوا نیز همانند سند ۳ب است: خواهان - یزد - به جلسه دادرسی در حضور فرخ‌ابزود آمده و منتظر است، درحالی‌که خواننده - دین‌یدان - و وکیل مدافع او نیامده‌اند. این بار دوم است که در تاریخ معین‌شده، خواننده در دادگاه حاضر نمی‌شود یا وکیل مدافع خود را نمی‌فرستد (ماتسوخ، ۲۰۱۶: ۱۶۲).

حرف‌نویسی	آوانویسی
1- BYRH plwltyn QDM ŠNT XX-XX-XX-XX-III III	māh Frawardīn sāl 87
2- W YWM hwl yzdt' Y pyšym'1	ud rōz Xwar Yazd ī pēšēmāl
3- Y QDM ZNE G'k' npšt' LOYN'	ī abar ēn nāmag nibišt pēš
4- plhw'pzw't' MNW tswk'-c Y dyl Y dyl'n	Farroxabzūd kē tasūg-iz ī Dēl ī Dēlān
5- MTA' OL gwb' YATWNt NTRWNt dynyt'n	deh ō gōw āmad pād ān dēnyadān
6- Y psym'1 W y'tk-gwb'-yc LA YATWNt	ī pasēmāl ud jādag-gōw-iz nē āmad

برگردان فارسی

- ۱- ماه فروردین سال ۸۷
 ۲- و روز خور (روز یازدهم)، یزد خواهان
 ۳- که این نامه در مورد او نوشته شده است، پیش

1. Doc. Tab. 7B (Gignoux, 2012: 54)



- ۴- فرخ‌ابزود، هم از تسوگ دل دلان ده (اسپگرد)،
 ۵- برای گفتن (=استماع دادرسی) آمد و منتظر ماند.
 دین‌یدان
 ۶- خوانده نیامد و نیز وکیل مدافعش.

طبرستان الف^۱

معرفی سند

دو سند با یک گل‌مشته کوچک با چندین اثر مهر به هم ضمیمه شده‌اند: نخستین سند الف از جنس پارچه با ابعاد ۸/۹۷×۱۶/۴۵، شامل ۶ سطر با یک واژه است که به صورت عمودی در پایین نوشته شده است. سند دوم ۸ب، در بالا، پوست‌نوشته‌ای به ابعاد ۷/۹۶×۴/۵۵ سانتی‌متر، و دارای ۱۵ سطر است. کاملاً پوسیده شده است و چند سوراخ کوچک به‌ویژه در قسمت پایین دارد. هر دو متعلق به یک روز و یک سال هستند نه یک ماه مشابه. واقع، سند پایینی دو ماه زودتر از سند بالایی است، و سند ۸ب در واقع خلاصه حکم یا پاسخ فوری به نامه است (ژینیو، ۲۰۱۲: ۵۸).

در سند ۸، گل‌مشته در پایین سند بالایی برای ضمیمه کردن هر دو نامه استفاده شده است که نشان می‌دهد سند پایین پیش از سند بالایی است، و از طریق تاریخ‌گذاری دو نامه این حرف تصدیق می‌شود. مهر نامه در پایین نامه قرار گرفته که از آن برای وصل کردن به نامه پایینی نیز استفاده شده است. باین‌حال، در همین جا گل‌مشته دومی نیز قرار دارد (گیزلن، ۲۰۱۲: ۱۰۰).

محتوای سند

تاریخ: روز باد (۲۲ روز) فروردین، سال ۸۷

این سومین تاریخ است که در سند ۸ب برای خواننده، دین‌یدان، جهت ارائه مدرک تعیین شده بود. جدا از تاریخ، محتوا نیز همانند اسناد ۳ب و ۷ب است: خواهان - یزد - به جلسه دادرسی در حضور فرخ‌ابزود آمده و منتظر است. خواننده - دین‌یدان - و وکیل مدافع او نیامده‌اند. این سومین بار است که خواننده در تاریخ تعیین شده در دادگاه حاضر نمی‌شود یا وکیل مدافع خود را نمی‌فرستد. با توجه به جزئیات مندرج در *مادیان هزار دادستان*،

1. Doc. Tab. 8A (Gignoux, 2012: 58)

می‌توان فرض کرد که عدم حضور خواننده یا وکیل مدافع وی در دادگاه مانع دادرسی تلقی می‌شود و این روند پس از سه مرتبه مانع ایجادکردن از طرف خواننده به پایان می‌رسد و به رأی‌دادن به نفع خواهان منجر می‌شود (ماتسوخ، ۲۰۱۶: ۱۶۲)، با این توضیح که هرگاه یکی از دو طرف دعوا مرتکب لغزشی می‌شد، مثلاً از آمدن به دادگاه کوتاهی می‌کرد، یا وکلای خواهان و خواننده سخنانی نقیض هم می‌گفتند، جریان عادی دادرسی از هم گسیخته می‌شد و به رأی دادگاه رسیدگی بعدی دعوا شکل تازه‌ای می‌گرفت؛ یعنی دادرسی «تأخیری» یا «تقصیری» انجام می‌شد. داوران به طرفی که در دادگاه حاضر نشده بود (azišmānd) دستور می‌دادند تا تشکیل جلسه دادرسی آینده وثیقه‌ای به ارزش چیزی که بر سر آن دعوا می‌رود به دادگاه بسپارد. اگر بار دیگر نیز تأخیری پیش می‌آمد، طرفی که تأخیر کرده بود باید باز هم وثیقه‌ای به ارزش وثیقه پیشین بسپارد. اگر بار سوم تأخیر اتفاق می‌افتاد، طرفی که مسئول این تأخیر بود دعوا را می‌باخت و وثیقه‌هایی که سپرده بود به طرف برنده دعوا داده می‌شد (پریخانیان، ۱۳۸۹: ۶۵-۶۸).

حرف‌نویسی

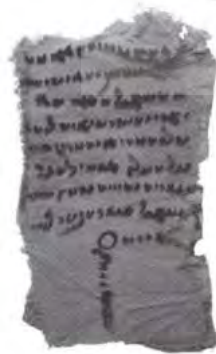
1- B[YR]H p[l]w[l]tyn QDM ŠNT
 2- XX-XX-XX-XX-III-III W YWM w't'
 yzdt'
 3- Y pyšym'l Y QDM ZNE
 4- n'mk' npšt' YKOYMWNYt LOYN'
 5- plhw-'pzw't' MNW tswk'-c Y
 6- dyl Y dyl'n MTA OL gwb'
 7 YATWNt NTRWNt dynyt'n Y
 8 (p)sym'l<W> y'tk-gwb-yc' LA
 9 YATWNt o
 Vertically
 dyn`whrmzd

آوانویسی

māh Frawardīn abar sāl
 87 ud rōz Wād Yazd
 ī pēšēmāl ī abar ēn
 nāmag nibišt ēstēd pēš
 Farroxabzūd kē tasūg-iz ī
 Dēl ī Dēlān deh ō gōw
 āmad pād Dēnyadān ī
 pasēmāl <ud> jādag-gōw-iz nē
 āmad o
 Dēnōhrmazd

برگردان فارسی

- ۱- ماه فروردین سال
- ۲- ۸۷ و روز باد (روز بیست و دوم)، یزد
- ۳- خواهان که
- ۴- این نامه برای او نوشته شده است، پیش
- ۵- فرخ‌ابزود، هم از تسوگ
- ۶- دل دلان از ده [اسپگرد]، برای گفتن (=استماع دادرسی)



Tafelberg, 1900, Tafel 1, 11

- ۷- آمد، منتظر ماند. دین‌یدان
 ۸- خوانده نیامد و وکیل مدافعش
 ۹- نیز.
 عمودی: دین‌اورمزد

طبرستان ۸ب^۱ محتوای سند

تاریخ: روز باد (۲۲ روز)، ماه فروردین، سال ۸۷

مأمور، یزدان‌گرد، به تقاضای فرخ‌ابزود تقریباً به‌شیوه‌ای مشابه با سند اب پاسخ و به او (فرخ‌ابزود) اطلاع می‌دهد که سه اقدام را انجام داده است: ۱- طرفین دعوا را طبق فرمان نامه دوم بازپرسی کرده است. ۲- از خوانده، دین‌یدان، خواسته است تا سلف قانونی خود را که حق مالکیت زمین را داشته به‌نفع خود به *dastwarīh* فراخواند. ۳- تاریخ مشخصی را تعیین (۲۲ فروردین سال ۸۷) و طرفین را برای حضور نزد هیربد فرخ‌ابزود احضار کرده است (ماتسوخ، ۲۰۱۶: ۱۶۵).

حرف‌نویسی	آوانویسی
1- OL hylpt' Y MROH plhw-'pzw't'	ō herbed ī xwadāy Farroxabzūd
2- nc yzd'nkrt' ŠRM KBD O MN	namāz Yazdāngird drōd was O az
3- glčšn' Y GBRAn Yyzdt' ŠM tswk' Y	garzišn ī mardān ī Yazd nām tasūg ī
4- dyldyl'n MN 'spgwt' MTA AYT MNDOM	Dēl-Dēlān az *Aspgurd deh ast tis
5- MNW l'ddynyt'n ŠM Y MN ZK 'spgwt'	kē rāy Dēnyadān nām ī az ān *Aspgurd
6- MTA LOYN' hylpt' BYN 'p'ystn'	deh pēš herbed andar abāyistan
7- OLE glčšn' l'ddynyt'n LWTE	ōy garzišn rāy Dēnyadān abāg
8- [yzdt'] PWN BYRH W YWM Y n'mcšt	[Yazd] pad mäh ud rōz ī nāmčīšt
9- OL LOYN' hylpt' wsydy krtn' 'p'ryk-c	ō pēš herbed wisē kardan abārig-iz
10- ZK CBW OLL krt' z'dstn-tl PWN	ān xīr ō man kard zāyistan-tar pad
11- n'mk' Y hylpt' krt' dstwblyh	nāmag ī herbed kard dastwarīh
12- dynyt'npl'c BO[YHWN]st' ZK ptk'l	Dēnyadān frāz xw[ā]stān pahikār
13- l'dZNE BYRH plwtyn' QDM SNT	rāy ēn mäh Frawardīn abar sāl
14- XX-XX-XX-III-III YWM w't OL gwb'Y	87 rōz Wād ō gōw ī
15- (LOYN' hylpt' wsydy) krt'	(pēš herbed wisē) kard

1. Doc. Tab. 8B (Gignoux, 2012: 58)

برگردان فارسی



Taharizchi-III (Tablote 1.1)

- ۱- به هیربد سرور، فرخ‌ابزود
- ۲- نماز! (از) یزدان‌گرد درود بسیار
- ۳- از برای شکایت مردی یزد نام از تسوگ
- ۴- دل-دلان از ده (اسپگرد)، برای موضوعی (امری) است
- ۵- که دین‌یدان نامی از آن ده اسپگرد
- ۶- بایست پیش هیربد برود
- ۷- برای آن شکایت، دین‌یدان همراه با
- ۸- یزد به ماه و روز معین
- ۹- پیش هیربد حاضر شوند.
- ۱۰- موضوع دیگری که او به من دستور داد:
- ۱۱- به‌منظور بررسی شدید از نامه که هیربد داده است ایجاد شود،
- ۱۲- او برای آن مجادله سلف قانونی دین‌یدان را خواسته است.
- ۱۳- این ماه فروردین سال
- ۱۴- ۸۷ روز باد [روز بیست‌ودوم] برای گفتن (=استماع دادرسی)
- ۱۵- پیش هیربد احضار کرد.

طبرستان الف^{۱۰} (ژینیو ۱۰ب در نظر گرفته است)

معرفی سند

سند شماره ۱۰ به ابعاد ۱۶/۵×۱۵ سانتی‌متر روی پارچه نوشته شده است. ۱۰ سطر دارد و با گل‌مشته‌ای در پایین سمت راست روی یک پارچه الحاقی پیوست شده است. سطر اول در میانه آسیب دیده و سوراخ روی پارچه در بالای سند ممکن است حاکی از وجود یک گل‌مشته برای اتصال سند به سند پایین باشد. بنابراین، لازم است آن را در سری اسناد دوتایی قرار داد (ژینیو، ۲۰۱۲: ۶۴).

در پایین سند سمت راست یک گل‌مشته وجود دارد و در بالا اثر گل‌مشته‌ای که از بین رفته دیده می‌شود که هر دو سند را به هم وصل می‌کرده است. گل‌مشته موجود همان

1. Doc. Tab. 10A (Gignoux, 2012: 64)

اثرمهری را دارد که در سند الف دیده می‌شود؛ یعنی همان نیم‌تنهٔ مردی که کتیبه‌ای نیز به فارسی میانه دارد (گیزلن، ۲۰۱۲: ۱۰۰).

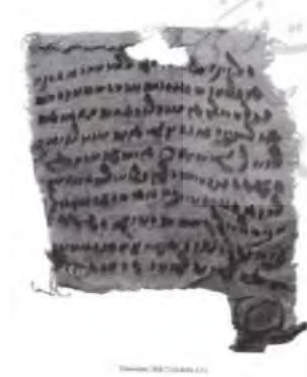
محتوای سند

تاریخ: روز رام (۲۱مین روز)، ماه فروردین، سال ۸۷ پسایزدگردی

این نامه را فرخ‌ابزود به مقام پایین‌تر (که نامش به دلیل افتادگی قابل خواندن نیست، احتمالاً یزدان‌گرد، طبق سند ۸ب) نوشته است تا او را از شکایت یزد علیه دین‌یدان آگاه سازد. او به مأمور دستور می‌دهد تا هر دو طرف را در یک تاریخ مشخص به جلسهٔ دادرسی در حضور او (فرخ‌ابزود) احضار کند (ماتسوخ، ۲۰۱۶: ۱۶۲).

حرف‌نویسی	آوانویسی
1- OL 'nws'dyb't [.....] nc plhw-'pzw't ŠRM KBD	ō anōšayād [.....] namāz Farroxabzūd drōd was
2- MN glcšn' Y yzdt' Y dpyr' Y tswk' Y	az garzišn ī Yazd ī dibīr ī tasūg ī
3- dyl' Y dyl'n MN 'spgwl't MT' AYT MNDOM	Dēl ī Dēlān az *Aspgurd deh ast tis
4- MNW l'd bwtm dynyt'n ŠM MN ZK 'spgwl't MT	kē rāy būdan Dēnyadān nām az ān *Aspgurd deh
5- LOYN' L BYN 'p'yt O MROH AMT-š ZNE	pēš man andar abāyēd O xwadāy ka-š ēn
6- n'mk' 'dwyn' Y OLE glcšn' l'd dynyt'n	nāmag ēwēn ī ōy garzišn rāy Dēnyadān
7- LWTE Y yzdt' PWN BYRH W YWM Y n'mcšt' OL	abāg Yazd pad māh ud rōz ī nāmčīst ō
8- gwb' Y LOYN' L wsydy 'y OBYDWNty ZNE n'mk'	gōw ī pēš man wisē ē kunēd ēn nāmag
9- BYRH plwtyn' QDM ŠNT XX-XX-XX XX-III III	māh Frawardīn abar sāl 87
10- YWM l'm plmw't krt'n' ○○	rōz Rām framūd kardan ○○

برگردان فارسی



- ۱- به انوش‌یاد [.....] نماز؛ از فرخ‌ابزود درود بسیار
- ۲- از برای شکایت یزد دبیر، از تسوگ
- ۳- دل دلان از ده اسپگرد، برای این موضوعی (امری) است که
- ۴- دین‌یدان نامی از ده اسپگرد
- ۵- پیش من باید باشد (باید که حضور یابد). ای سرور، هنگامی که
- ۶- این نامه را برای آن شکایت (دریافت کردید) دین‌یدان
- ۷- همراه با یزد در ماه و روز معین

- ۸- برای گفتن (=استماع دادرسی) پیش من باید حاضر باشند. این نامه را
 ۹- در ماه فروردین سال ۸۷
 ۱۰- روز رام (روز دوازدهم) فرمود نوشتند.

طبرستان ۱۵الف^۱ (ژینیو ۵ب در نظر گرفته است)

معرفی سند

این سند روی پارچه‌ای به ابعاد ۱۶/۸۲×۲۰ نوشته شده که در پایان سطرهای ۳ تا ۶ آسیب دیده و کاملاً موازی با سند پیشین است، زیرا به همان سال تعلق دارد. ۷ سطر دارد با یک اضافه بین خطوط ۴ و ۵، و همان نام مشابه که به صورت عمودی در انتهای متن نوشته شده است (ژینیو، ۲۰۱۲: ۴۸).

گل‌مشته‌ای به میانه بالای سند وصل شده است و اثرمهر آن از مهرهای برجسته با نقوش حیوانی (گوزن، قوچ، پرنده) است (گیزلن، ۲۰۱۲: ۱۰۱).

محتوای سند

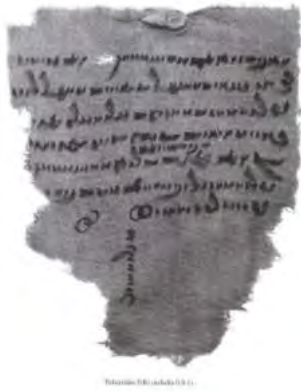
تاریخ: روز دی به دین (روز بیست‌وسوم)، ماه بهمن، سال ۸۶

به نظر می‌رسد این تنها سندی است که در مورد این پرونده باقی مانده است، که شامل «خواهان»، یزد، همان مقام رسمی فرخ‌ابزود، و «خوانده»، آزادوگ، است. این سند نیز با ثبت یک عمل، اطلاعات مربوط به آیین دادرسی رسمی را تکمیل می‌کند: فرخ‌ابزود و هر دو طرف دعوی با هم تاریخ دادرسی را در ۱۲ اسفند سال ۸۶ تعیین می‌کنند. هر دو طرف دعوی خود را متعهد می‌کنند برای جلسه دادرسی پیش فرخ‌ابزود بیایند (ماتسوخ، ۲۰۱۶: ۱۶۴).

حرف‌نویسی	آوانویسی
1- ZNE BYRH whwmn QDM ŠNT XX-XXXX-XX-III III YWM dđw' PWN	ēn māh Wahmana bar sāl 86 rōz Day pad
2- dyn' yzdt' Y pyšym'l 'c'twk' Y psym'l LOYN'	Dēn Yazd ī pēšēmāl Āzādōg ī pasēmāl pēš
3- plhw-'pzw't' Y tswk'-c Y dyl Y dyl'n MTA	Farroxabzūd ī tasūg-iz ī Dēl ī Dēlān deh
4- YHWWNt HWEnd 'p-š'n 'knyn zm'n OBYDWN[t	būd hēnd u-šān āgenēn zaman kar[d
4bis Y BYRH spndrmt	ī māh Spandarmad
5- AYK YWM m'h Y LZNE ŠNT XX-XX-XXXX-III III [LOYN'	kū rōz Māh ī im sāl 86 [pēš
6- plhw-'pzw't' OL gwb' YATWNm t'k Y bnd.[Farroxabzūd ō gōw āyēm. tāg ī band. [
7- PWN 'plk' npšt' ○○	pad abarag nibišť ○○
Vertically tylgwšnsp' ○	Tīrgušnasp ○

1. Doc. Tab. 5A (Gignoux, 2012: 48)

برگردان فارسی



- ۱- این ماه بهمن سال ۸۶ روز دی به
 - ۲- دین (روز بیست‌وسوم)، یزدِ خواهان، آزادوگِ خوانده پیش
 - ۳- فرخ‌ابزود هم از تسوگ دل دلان از ده (اسپگرد) بودند.
 - ۴- و آن‌ها با یکدیگر زمان (دادرسی) را معین کردند
 - ۴ب- در ماه سپندارمذ
 - ۵- روز ماه (روز دوازدهم)، همین سال ۸۶، پیش
 - ۶- فرخ‌ابزود برای گفتن (=استماع دادرسی) بیاییم. این تعهد
 - ۷- برای مقام بالاتر نوشته شد.
- عمودی: تیرگشنسپ

طبرستان الف^۱

معرفی سند

سند الف روی پوست، به ابعاد ۱۴/۷۱×۱۵/۱۵ سانتی‌متر، به رنگ زرد، شامل ۶ سطر و یک واژه به صورت عمودی؛ و سند ب روی پارچه به ابعاد ۱۴/۸۸×۲۷/۵۵ سانتی‌متر و رنگ زرد تیره در ۵ سطر با واژه‌ای به صورت عمودی نوشته شده است (ژینیو، ۲۰۱۲: ۵۰). در نامه درخواست دو تاریخ ذکر شده است که یکی تاریخ درخواست و دیگری تاریخ بعدی برای تعیین جلسه دادرسی جهت تعیین حکم است. تاریخ دوم در سند ب تأیید می‌شود. در اینجا، ترتیب قرارگیری نامه‌ها - برخلاف نامه‌های دوتایی دیگر - این گونه است که نامه قدیمی‌تر در بالا قرار گرفته است.

دو سند با گل‌مشته‌ای در بالای سند اول و گل‌مشته دیگری در میانه به هم متصل شده‌اند. مهر در بالا قرار گرفته و گل‌مشته‌ای نیز در میانه پایین سند دیده می‌شود. اثر مهر نیز از جمله نقوش حیوانی (گوزن، قوچ، پرنده) است.

1. Doc. Tab. 6A (Gignoux, 2012: 50)

محتوای سند

تاریخ: روز ماه (دوازدهمین روز)، ماه اسفند، ۸۶ پسایزدگردی

این دو سند (۶الف و ب) پرونده خواهان - شیدریش - از خوانده - آزادوگ - را که خوانده در پرونده دیگری نیز حضور دارد، نزد فرخ‌ابزود ثبت می‌کند. جدا از تاریخ و نام خواهان، محتوا نیز مشابه سند ۵الف است: فرخ‌ابزود و دو طرف دعوی با هم تاریخی را برای جلسه دادرسی در ۱۱ فروردین سال ۸۷ تعیین می‌کنند. هر دو طرف خود را متعهد می‌کنند تا به جلسه دادرسی در حضور فرخ‌ابزود بیایند (ماتسوخ، ۲۰۱۶: ۱۶۳).

حرف‌نویسی	آوانویسی
1- BYRH spndrmt QDM ŠNT XX-XX-XX-XX-III-III YWM m[ˈ]h	māh Spandarmad abar sāl 86 rōz Māh
2- šytlyš Y pyšym'1'c 'wk' Y psym'1	Šēdrēš ī pēšēmāl Āzādōg ī pasēmāl
3 LOYN' plhw-'bzw't' Y tswk'-c Y dyldyl'n MT	pēš Farroxabzūd ī tasūg-iz ī Dēl-Dēlān deh
4 YHWWNt HWEnd 'pš'n 'knyn zm'n OBYDWNt	būd hēnd u-šān āgenēn zaman kard
4bis Y nzdst'	ī nazdist
5 AYK YWM hwl Y BYRHplwltyn LZNE ŠNT XX-XX-XX-XX-<I>III III	kū rōz Xwar ī māh Frawardīn im sāl 87
6 LOYN' plhw-'pzw't' OL gwb' YATWNm	pēš Farroxabzūd ō gōw āyēm
<i>Vertically</i> šylz't	Šīrzād

برگردان فارسی

- ۱- ماه سپندارمذ سال ۸۶، روز ماه (روز دوازدهم)
- ۲- شیدریش خواهان، آزادوگ خوانده
- ۳- پیش فرخ‌ابزود هم از تسوگ دل-دلان از ده (اسپگرد)
- ۴- حاضر شدند و با هم تاریخی معین کردند که
- ۵- روز خور (روز یازدهم) ماه فروردین این سال ۸۷
- ۶- پیش فرخ‌ابزود برای گفتن (=استماع دادرسی) بیاییم. عمودی: شیرزاد



طبرستان ۶ب^۱ محتوای سند

تاریخ: روز خور (روز یازدهم)، ماه فروردین، سال ۸۷

محتوای این سند شبیه سندهای ۳ب، ۷ب، و ۸الف است؛ اما تفاوت آن این است خواهان (شیدریش که نامش در این سند آسیب دیده است) دقیقاً در تاریخی که در سند ۶الف تعیین شده، به جلسه دادرسی آمده است. نه آزادوگ خوانده (که این سند درباره اوست)، و نه وکیل مدافع او در جلسه دادرسی حاضر نشدند. برخلاف سند ۳ب، خواهان زود به جلسه نرسیده؛ اما دقیقاً در تاریخی که دادگاه تعیین کرده حاضر شده است و این سند، مدت‌زمانی که خواهان برای دفاع در محل دادرسی منتظر رسیدن خوانده بوده، مشخص نکرده است (ماتسوخ، ۲۰۱۶: ۱۶۳).

حرف‌نویسی

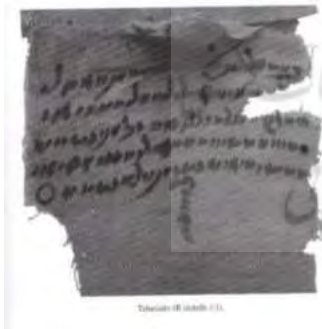
1 BYRH plwltyn QDM ŠNT XX-XX-XXXX-III-III W YWM hwl
2 [š'tlyš] Y pyšym'l LOYN' plhw-'pzw't MNW
3 tswk'-c Y dyl Y dyl'n MTA OL gwb' YATWNt
4 NTRWNt 'c'twk' Y psym'l Y QDM ZNE n'mk'
5 npšt' YKOYMWNYt <W> y'tkgwb-yc LA YATWNt
Vertically
d yn'whrmzd

آوانویسی

māh Frawardīn abar sāl 87 ud rōz Xwar
]Šēdrēš[ī pēšēmāl pēš Farrox-abzūd kē
tasūg-iz ī Dēl ī Dēlān deh ō gow āmad
pād Azādōg ī pasēmāl ī abar ēn nāmāg
nibišt ēstēd <ud> jādag-gōw-iz nē āmad
Dēnōhrmazd

برگردان فارسی

- ۱- ماه فروردین سال ۸۷ و روز خور (روز یازدهم)
 - ۲- شیدریش خواهان پیش فرخ‌ابزود
 - ۳- هم از تسوگ دل دلان از ده (اسپگرد)، برای گفتن (=استماع دادرسی) آمد
 - ۴- (و) منتظر ماند. آزادوگ خوانده، که این نامه
 - ۵- (برای او) نوشته شده است، نیامد <و> نیز وکیل مدافعش.
- عمودی: دین‌اورمزد



1. Doc. Tab. 6B (Gignoux, 2012: 50)

۲ تعلیقات

طبرستان الف

سطر ۱

namāz: تکریم، دعا، نماز (مکنزی، ۱۳۹۴: ۱۰۹)؛ تعظیم، احترام. در اینجا با حرف‌نویسی *nc* آمده، به معنای پرستش، ادای احترام، عمل سر فرود آوردن در مقابل کسی برای تکریم و تعظیم است. از اوستایی *-nəmah*، پارسی *nm'c* در فرهنگ پهلوی به صورت OSGDE، پازند *namāž* فارسی نو *namāz* (نیبرگ^۱، ۱۹۷۴: ۱۳۵). بعد از اسلام، «نماز» را به جای صلاة به کار برده‌اند.

سطر ۲

garzīdan: گله کردن، اعتراف کردن (مکنزی، ۱۳۹۴: ۷۷)؛ **garzišn**: گله. ناله و زاری کردن، شکوه و گلایه. پازند *garzašni*؛ فارسی نو *garziš*؛ فعل *girzītan* (نیبرگ، ۱۹۷۴: ۸۱). در لغت فرس اسدی نیز آمده است: گرزش، تظلم بود^۲ (اسدی، ۱۳۱۹: ۲۱۳). **garzīdan** به معنی شکایت کردن، گله کردن و *garzišn* «شکایت رسمی، دادخواهی و عرض حال»، واژه‌ای حقوقی است که هم صورت اسمی و هم فعلی آن در این اسناد بسیار به کار رفته است؛ به عنوان مثال:

pad garzašn ī ō dādwārān rōzgār andar abāyēd (MHD. 86. 5)

[تنظیم] شکایت روزانه و [بردن] نزد داوران لازم است.

<drōdŠRM>: آرامش، تندرستی، سلامتی، کامیابی (مکنزی، ۱۳۹۴: ۶۶)؛ دعای خیر (در ادای احترام، سلام و تعارف)، بهروزی، خوشبختی. ایرانی کهن **druvatās* (اسم)؛ از اوستایی *drvatāt*؛ پارسی *drwd*؛ پازند *drūd*؛ فارسی نو *durūd* (نیبرگ، ۱۹۷۴: ۶۶). دهخدا این واژه را به معنی صلوات آورده است «که از خدای تعالی رحمت و از ملائکه استغفار و از انسان ستایش و دعا و از حیوانات دیگر تسبیح باشد» (دهخدا، ۱۳۴۵، ج. ۷: ۹۳۸۶). ویر *good health* ترجمه کرده است (ویر^۳، ۲۰۱۶: ۱۲۱).

سطر ۴

Duxtxwaših: دخت خوشی. ویر *pādixšāy* (خوانش ژینیو) را *Duxtxwaših* خوانده است.

1. Nyberg

۲. اگرچه اسدی (۱۳۱۹) این واژه را گرزش ضبط کرده است.

3. Weber

دخت خوشی همکرد ملکی (bahuvrihi) است و احتمالاً به معنی کسی است که «یک دختر شیرین» دارد. همچنین، دل خوشی (Dēlxwaših) در طبرستان ۲۶ به معنی کسی است که دل خوش دارد؛ در فارسی: دلخوش (ویر، ۲۰۱۶: ۱۲۳). احتمالاً xwaš از اوستایی *hvaši- (سانسکریت -svaksa) به معنی «زیباچشم» باشد؛ پارتی مانوی wxš، فارسی میانه مانوی xwš، پازند و فارسی نو xwaš (نیبرگ، ۱۹۷۴: ۲۲۲). در شاهنامه به معنی «خوش، زیبا، شادمان» آمده است (خالقی مطلق، ۱۳۶۶: ۶۵۵).

Dēl ī Dēlān: خوانش ژینیو در بررسی اولیه از بایگانی طبرستان dūdag ī Sarw ī Sarān از روستای Askēnrad است. طبق نظر او، اسکین‌رد اقامتگاه دودمان سرو سران (Sarw ī Sarān) است؛ اما خیلی زود به پیشنهاد خانم گیزلن براساس یک مهر اداری مغان که در مرکز آن واژه Dēl ī Dēlān نوشته شده بود، ژینیو تأیید کرد که Sarw ī Sarān باید به Dēl ī Dēlān به عنوان نام جای تصحیح شود (ژینیو، ۲۰۱۴: ۳۰). بنابراین، «سرو سران/دل دلان» یک دودمان نیست، بلکه محدوده‌ای اداری در طبرستان است و واژه dudag باید tasug خوانده شود که «ربع» یک منطقه به‌شمار می‌رفت. ویر نیز در خوانش خود قرائت نام روستای «اسکین‌رد» را تصحیح و «هسپین‌رز» را پیشنهاد می‌کند. دل دلان به عنوان نام ربع، گاهی با واژه deh همراه شده است. ویر توضیح می‌دهد که به‌رغم وجود دیگر اصطلاحات توصیفی برای این نام، باید آن را منطقه‌ای دانست که هسپین‌رز در آن واقع شده است و نیز بر آن است که دل دلان بیانگر صورت قدیم‌تر دیلم است اگرچه امروزه منطقه‌ای وجود ندارد که بتوان با آن تطبیق داد؛ اما با استناد به ذکر زیتون در اسناد ۱۸ و ۲۴ طبرستان، معتقد است می‌توان رودبار را در نظر گرفت (ویر، ۲۰۱۷: ۱۳۲). رضاخانی با توجه به شواهدی که ارائه می‌دهد، معتقد است به‌لحاظ بافت جغرافیایی و تاریخی اسناد، این منطقه حوزه دیلمان یا منطقه رودبار نیست، بلکه در مناطق شرقی‌تر در دو روستا به‌نام اسپرز/اسپورز (Esperez/Espūrez) در منطقه سوادکوه یا حوالی ساری در حوزه اقتدار اسپهبدان طبرستان باید به‌دنبال دل دلان و هسپین‌رز گشت (رضاخانی، ۲۰۲۰: ۱۲۱). بنا بر نظر رضاخانی، spywlc در حوزه سوادکوه قرار دارد که کوه‌های قارن و شروین نیز در آن واقع شده‌اند و مرکز قدرت اسپهبدان طبرستان نیز همین منطقه بود. در محدوده ولویی روستایی به نام اسپرز قرار دارد که نام رسمی آن «سپید-ریز» است که espe/espī در گویش تبری به معنای «سفید» و rez به معنی «ریز، تکه‌تکه» است. گزینه دوم spywlc

روستایی است که به صورت *espoorez/esurez* نوشته می‌شود و در جنوب شرقی ساری در دشت قرار دارد. رضاخانی در مقاله خود به دلیل نبود شواهد کافی بر ذکر نام ساری و نیز اینکه محل استقرار اسپهبدان در ارتفاعات بوده، ترجیح می‌دهد واژه‌ای که در بایگانی طبرستان به صورت *spywlc* حرف‌نویسی شده است، اسپرز *Esperez* (که احتمالاً صورت کهن ترش *Espūrez* است) بخواند.

وبر در توضیح برای واژه اسپین‌رز می‌افزاید: نام روستای *haspin-raz* که در همه اسناد غالب است، خوانشی غیرقطعی است و تفسیر احتمالی آن به‌عنوان «تاکستان آرامش» به نظر می‌رسد دلپذیری این مکان را نشان می‌دهد. مقایسه همه موارد شناخته‌شده نشان می‌دهد حرف آخر بیشتر شبیه *(c-)* است تا *(-t)*. بنابراین، تفسیر ژینو به‌عنوان *askenrad* باید منتفی باشد (وبر، ۲۰۱۶: ۱۲۴). اما، وبر (۲۰۲۰) در خوانش جدیدی که از اسناد ۱۱، ۲۷، و ۲۸ ارائه داده است، اسپین‌رز را به اسپگرد تغییر می‌دهد و می‌گوید:

«نام **Aspgurd*، که مکرراً در اسناد طبرستان آمده است، پیش از این به‌طور احتمالی و غیرقطعی **Haspīn-raz* خوانده شده بود. بررسی دقیق‌تر حروف نشان می‌دهد که این نام نمی‌تواند به *'lc* ختم شود، بلکه باید به *'lt* ختم شود، زیرا *<c>* پایانی *<'c²>* به‌ندرت دارای استروک پایانی است. بنابراین، ما اکنون قرائت فرضی جدید «*Aspgurd* (*'spgwlt*) «قوی مانند اسب یا داشتن قهرمانانی چون اسب» را ترجیح می‌دهیم.»

و می‌افزاید پیشنهادی که اخیراً رضاخانی (۲۰۲۰) مطرح کرده است مبنی بر اینکه این روستا باید دورتر از شرق قرار داشته باشد و باید طور دیگری خوانده شود، نیازمند بررسی بیشتری است که باید مورد بحث قرار گیرد (وبر، ۲۰۲۰: ۱۷۵).

در بندهشن نیز نام ناحیه‌ای به نام «اسپرز» آمده است که مربوط به اباختر (=شمال) است و جایگاه زمستان (فرنیغ‌دادگی، ۱۳۹۵: ۱۲۳). و در همان کتاب، درباره چگونگی کوه‌ها آمده است که: «کوه گنابد، کوه اسپروز، کوه پهرگر، کوه دنباوند، کوه راوگ، کوه زرین، کوه دایباد (که) کوه داواد است، کوه میزن، کوه مرغ همه از اُرسین، منوش و دیگر کوه‌ها که برشمرده شد، رسته‌اند (همان: ۷۲)... و کوه اسپروز بالای چینستان است (همان: ۷۳). با توجه به آنچه از خوانش پهلوی این واژه برداشت می‌شود، شاید بتوان همان اسپروز را صحیح دانست.

tasug: یک گاه‌واژه عربی *tassūg*، اما به معنی «اقامتگاه، محل استقرار، چهاردیواری، روستا، یک قطعه زمین». نیبرگ معتقد است معنی واقعی *tswg* از سریانی به معنی یک چهارم دانگاه (*dānqā*) است که خودش به معنی یک چهارم درهم است. و فارسی میانه *tasūg* مرتبط است با فارسی میانه *tasum* به معنی چهارم. فارسی میانه

tasum که از <casom>tasom، ناهمگونی حرف c- از فارسی باستان čačma- ایرانی باستان čačrama-.

در دوره ساسانیان، گروه‌بندی شکل سکونت در نقاط مختلف کشور به این صورت بوده است: ۱- دیه، ۲- روستاگ، ۳- تسوگ، ۴- شهر، ۵- استان، ۶- کشور (انصاف‌پور، ۱۳۵۲: ۴۴۵).

سطر ۵

<MNDOM>tis(čiš): «چیز، کار» (مکنزی، ۱۳۹۴: ۱۴۷)؛ «چیز» (پریخانیان^۱، ۱۹۹۷: ۳۴۷)؛ شیء، خواسته و دارایی (معین، ۱۳۸۴، ج. ۱: ۹۵۶). «قضیه و موضوع، مسئله، موضوع حقوقی»، در متون حقوقی به سه معنی به کار می‌رود: ۱- قضیه و موضوع (case) به معنای اختلاف حقوقی یا اقدام قانونی و تعیین مراحل دادرسی که در آن یک طرف حق قانونی را در دادگاه پیگیری می‌کند. ۲- موضوع و مسئله (matter) به معنای یک مشکل حقوقی واقعی یا فرضی که می‌تواند بحث‌برانگیز باشد. ۳- موضوع حقوقی/قانونی (legal object) که بر چیزهای ملموس خاص یا اموال مورد اختلاف در یک پرونده مدنی دلالت دارد. هر سه این معانی در مادیان هزاردادستان آمده است (ماتسوخ، ۲۰۱۶: ۱۵۵)؛ به‌عنوان مثال:

1- tis-iz ēwarīh rāy pad ān tis ī nē andar pēšag ī āsrōnān (MHD. 27. 6-7)
«با توجه به تأیید یک پرونده در مورد پرونده‌ای که در صنف روحانیت رسیدگی نمی‌شود.»

2- tis-iz tis juttar be nē bawēd (MHD. 48. 12)

«هیچ تغییری در این موضوع وجود ندارد.»

3- ka tis ō dūdag ... xwāhēnd (MHD. 16. 5)

«هنگامی که چیزی (شیء/مال) را برای خانواده درخواست می‌کنند.»

ast tis kē rāy: برای موضوعی (امری) است که...

پریخانیان معتقد است تعریف «چیز» را می‌توان برای پاره‌ای زمین، یک اسب، کل میراث، دام، برده، و... به کار برد: به «چیزها» کلاً تنها در مواردی تصریح می‌شود که ویژگی‌های خاص آن برای مناسبت قانونی مورد رسیدگی اهمیت دارند. دو جنبه یک چیز متمایزند: بنیاد (بن، ماتک) و بارها، یا درآمد، افزایش، سود (پریخانیان، ۱۳۸۹: ۴۳).

سطر ۶

و بر *dādēstān* را اسم خاص *Dēnyadān* خوانده و آن را با تردید «دست درازکردن برای دین» (دین خوب) معنا کرده، درحالی‌که این فرض را نیز محتمل دانسته است که <d> آغازین را می‌توان <z> و در نتیجه اسم را *Zēngadān* «دارای چویدستی به‌عنوان اسلحه»، چه بسا اسمی مناسب برای متهمی بدنام، فرض کرد (و بر، ۲۰۱۶: ۱۲۳).

سطر ۷

andar abāyēd: «اندر باید، لازم است» (مکنزی، ۱۳۹۴: ۳۹)؛ ایرانی باستان * *upāya-* از ریشه فعل *hai* (رفتن)، فارسی باستان و اوستایی *ay- +upa* به‌معنی لازم‌بودن، نیازداشتن، اجباری، بایسته‌بودن (نیبرگ، ۱۹۷۴: ۲۶؛ چئونگ، ۲۰۰۷: ۱۵۵). فعل در این بافت، «*andar abāyēd*» (لازم است، ضروری، واجب) (علاوه بر *abāyestan* به‌معنی نیاز مبرم داشتن به چیزی)، عمدتاً در دو زمینه حقوقی به‌کار برده می‌شد: ۱- در حقوق مالکیت، *andar abāyēd* به‌عنوان یک ریختار خاص در زمینه دادوستد در یک روند رسمی استفاده می‌شد که دقیقاً در حقوق ساسانی تنظیم شده بود. هنگامی که ملک به‌مدت معین یا برای همیشه از طریق انتقال (*pad dād*) به فرد دیگری واگذار می‌شد، معامله تنها در صورتی معتبر تلقی می‌شد که گیرنده رضایت (*sahišn, padīrišn*) خود را برای معامله با ریختار «*andar abāyēd*» اعلام کند. انواع دیگر عبارت است از: *dōšīd* «تصدیق شده است.»؛ یا *kāmag dōšīd* «تمایل انتقال‌دهنده تصدیق شده است.» اگر مایل نباشد که انتقال را بپذیرد، با اصطلاح «*andar nēabāyēd*» امتناع می‌کند. ۲- در بافت دعاوی حقوقی، *andar abāyēd* به دستورالعمل‌ها/فرامین آیین دادرسی اشاره می‌کند که باید در محاکمه/دادرسی رعایت شود.

and čand dādestān rāyēnidan rāy andar abāyēd (MHD. 12. 5)

«به اندازه‌ای که برای انجام مراحل قانونی لازم است.»

دعاوی حقوقی در اسناد طبرستان ۱-۱۰، از یک دستورالعمل خاص و دقیق و تحت قاعده پیروی می‌کنند، و از ریختار ذکرشده در بالا برای نام‌بردن متهم در یک پرونده (*tis*) خاص و بیان اجباری‌بودن (*andar abāyēd*) حضور وی در دادگاه استفاده می‌کنند (ماتسوخ، ۲۰۱۶: ۱۵۶).

<MROH>(xwādāy) : در اسناد طبرستان، واژه xwādāy با هزوارش MROH آمده است. در کتیبه‌های ساسانی، پاپیروس‌ها، و فرهنگ هزوارش‌های پهلوی صورت هزوارشی دیده می‌شود، اما در متون پهلوی واژه «خودای» بدون صورت هزوارشی آمده است. در متون کتابی زبور پهلوی استثناء است که صورت هزوارشی خودای (MRWHY) آمده است. در فرهنگ هزوارش‌های پهلوی به صورت تاغ حرف‌نویسی MRWH آمده است. در پازند به صورت MRWH و قرائت سنتی mōnā، در کتیبه سه‌زبانۀ شاپور در کعبۀ زردشت در روایت ساسانی به صورت حرف‌نویسی MROHY و در روایت پارتی بدون هزوارش و به صورت hwtwy، در کتیبه پایکلی در روایت ساسانی به صورت MROHY، در روایت پارتی بدون هزوارش و به صورت hwtwy آمده است. ویر در پاپیروس‌های ساسانی به صورت MR'H حرف‌نویسی کرده است. در منابع سغدی، به صورت هزوارش آمده و MR'Y و MR'Y حرف‌نویسی شده است. در اصل آرامی، به معنای «صاحبش» از صورت mare و پسوند سوم‌شخص مفرد است (نصراله‌زاده، ۱۳۹۸: ۱۴۹-۱۵۰).

سطر ۸

<MGLTA>nāmag: «نامه، کتاب» (مکنزی، ۱۳۹۴: ۱۰۹)؛ رونوشت دادگاه، یادداشت، نوشته، دفتر ثبت، بایگانی، صورت جلسه (ماتسوخ، ۲۰۱۶: ۱۵۴).
در فرهنگ سخن، نامه در معنای قدیمی خود فرمان کتبی، منشور و ترکیب «نامه مظلومی» این‌گونه آمده است: نامه‌ای که از طرف حکومت به عمال جهت رسیدگی به شکایت کسی فرستاده می‌شده است (انوری، ۱۳۸۲: ۲۳۹۹).
صورت باستانی آن را می‌توان *nāmanka، متشکل از دو جزء nāman به معنای نام و پسوند -ka دانست که پسوند اسم‌ساز است؛ اما چون این واژه در هیچ‌یک از زبان‌های دوره باستان باقی نمانده و نیز n پایانی nāman در نامگ آمده است و نه جبران آن، باید تاریخ پیدایش این واژه را دوره میانه زبان‌های ایرانی دانست. به بیان دیگر، نامگ صورت باستانی ندارد و در دوره میانه، از دو جزء nām و پسوند -ag ساخته شده است (جمالی، ۱۳۹۶: ۳).
به نظر ماتسوخ، در کنار معنی «نامه» (که در طبرستان الف، اب، و الف به صورت <nāmag>n'mk نوشته شده است)، nāmag با هزوارش GTKA به نظر می‌آید در اسناد طبرستان معنی خاص «دستورالعمل»، «صورت جلسه» یا «رونوشت پرونده‌های دادگاه» داشته باشد. در مادیان هزار دادستان، ترکیب‌های مختلفی برای صورت جلسه‌های دادگاه آمده است: ۱- سخن‌نامگ (saxwan-nāmag): ثبت مراحل دادرسی پرونده‌های حقوقی است که

اظهارات مدعیان با جزئیات خاص - نظیر حضور یا عدم حضور در دادگاه و مانع دادرسی شدن - در دفتری به نام سخن‌نامه ثبت و پس از پایان دادرسی به همراه حکم قاضی در بایگانی نگهداری می‌شد. ۲- پرسش‌نامهگ (pursišn-nāmag): دفتر ثبت اظهارات دادرسی در موارد جنایی، ثبت جنایاتی که شایسته مرگ (مرگ‌ارزان) هستند و دیگر تخلفات. شواهد جزئی که به محکومیت متهم منتهی می‌شد و اطلاعات دیگر با توجه به شهرت فرد در جامعه در این دفتر نوشته می‌شود. ۳- یزشن‌نامهگ (yazišn-nāmag): ثبت گفته‌ها، صورت‌جلسه سوگندخوردن. سوگند، که در اصل از یک آزمایش سخت به وجود آمده و یکی از اصلی‌ترین ابزارهای گردآوری شواهد بود، در مکان خاصی به نام ورگاه (wargāh) یا xwārestān تحت کنترل یک مأمور رسمی به نام ورسالار (war-sālār) انجام می‌شد که مسئول مستندسازی صورت‌جلسات و مهورکردن رونوشت‌ها نیز بود. ۴- سوگندنامه (uzdād-nāmag): سندی دربارهٔ مراحل انجام آزمایش و صورت‌جلسه دادرسی که معروف است در پرونده‌های جنایی نیز نوشته می‌شده است. سوگندنامه در دادرسی باید توسط همان قاضی که پرسش‌نامه را مهر زده بود، مهور می‌شد. در اسناد طبرستان، nāmag به saxwan-nāmag - صورت‌جلسه‌ای که در پرونده‌های حقوقی نوشته شده است - اشاره می‌کند (ماتسوخ، ۲۰۱۶: ۱۵۴).

ēwēn: «آداب، آیین، روش، شکل» (مکنزی، ۱۳۹۴: ۷۱)؛ ۱- هنجار حقوقی / روش قانونی؛ رسم، سنت، عرف؛ قانون. ۲- مشروعیت، قانونی بودن؛ قانونی. پریخانیان pādixšāyīh را اختیار، به‌ویژه اختیار پدرسالارانه رئیس خانواده دانسته است (پریخانیان، ۱۳۸۹: ۲۵). ماتسوخ با اشاره به این اصطلاح با هر دو معنی در مادیان، آورده است: ۱- قانون، هنجار، قاعده؛ ۲- معنای دوم «مشروعیت، قانونی» در اظهاراتی که در تقابل با اصطلاح حقوقی دیگر است، pādixšāy «مجاز، دارای اختیار» مشخص می‌شود. ظاهراً، کارشناسان حقوقی میان اظهارات با توجه به معامله تنظیم‌شده با ēwēn از یک‌سو و pādixšāy از سوی دیگر تفاوت قائل می‌شوند؛ مثلاً:

ēn bud nē šāyēd kū kē gōwēd kū-m ēn xwāstag ēwēn ō tō frōxt ayāb ō tō dād ēg-iš ē guft bawēd kū pādixšāy hom ō tō frōxt ud dād (MHDA 22. 11-12)

فحوای متن این‌گونه است: شخص الف (انتقال‌دهنده) اظهار می‌دارد که او دارایی خاص (یا چیزی) را از طریق فروش (یا سایر روش‌های دادوستد) به شخص دیگری (منتقل‌شده) با استفاده از اصطلاح ēwēn یا pādixšāy در اظهاراتش، منتقل کرده است. هر دو دلالت‌های کاملاً متفاوتی دارد: انتقال‌دهنده با به‌کاربردن ēwēn اظهار می‌دارد که

دادوستد قانونی است، اما به‌صراحت تصدیق نمی‌کند که او نیز حق دارد (pādixšāy) آن را (به‌عنوان مالک یا مالک پیشین دارایی) قانونی سازد. یک دادوستد قانونی تا جایی می‌تواند قانونی تلقی شود که از حق مالکیت لازم پیروی کند. از سوی دیگر، اگر فرد سومی این حق را منکر شود، انتقال‌دهنده به‌لحاظ شخصی متعهد است که پاسخ‌گو باشد و تصدیق کند اختیار داشته است معامله را قانونی کند. این تمایز اساسی با تضاد ēwēn-būd و pādixšāy-būd بیان می‌شود (ماتسوخ، ۲۰۱۶: ۱۵۲). وبر و ماتسوخ این واژه را «روش قانونی» معنا کرده‌اند.

مثلاً در مادیان آمده است:

ka ... gōwēd tā nūn ō man frōxt ud dād ēwēn-būd Mihrēn rāy nē pahikāram
juttar baw{ēd} čiyōn ka gōwēd kū ta nūn ō man frōxt ud dād pādixšāy-būd ī
Mihrēn rāy nē pahikēram (22. 8-11):

«اگر کسی در رابطه با امر خاصی بگوید: من به دلیل تکلیف قانونی فروش و تحویل (مثلاً) تا به اکنون به من هیچ اقدامی نمی‌کنم، با این گفته فرق دارد که بگویم من به‌دلیل تکلیف مجاز فروش و تحویل هیچ اقدامی نمی‌کنم.»

سطر ۱۱

gōw: اظهارات (در دادگاه)، دادرسی، در:

۱- **ō gōw āmadan:** به جلسه دادرسی آمدن، اظهار نظر کردن در دادگاه، حضور یافتن در دادگاه. جلسه ارائه مدارک و قراین قانونی و استماع مدافعات و پاسخ‌گویی به پرسش‌های طرفین و یا اعضای دادگاه.

ō gōw...wisē kardan: احضار کردن (فرستادن).... به (جلسه دادرسی).

جلسه دادرسی در حضور یک مأمور رسمی دستگاه قضا (در اسناد طبرستان فرخ‌ابزود، هیرید) زمانی اتفاق می‌افتاد که خواهان شکایت خود را تقدیم کرده و خوانده به‌طور رسمی به دادگاه احضار شده باشد (ō gōw...wisē kard). حضور یا عدم حضور طرفین دعوی در صورت جلسه با عبارت «ō gōw āyēm» (به جلسه دادرسی می‌آییم) یا «ō gōw nē āmad» (به جلسه دادرسی نیامد) ثبت می‌شد (ماتسوخ، ۲۰۱۶: ۱۵۳).

wisē kardan: «گسیل کردن، فرستادن» (مکنزی، ۱۳۹۴: ۱۶۰)؛ احضار کردن، فراخواندن.

در اسناد طبرستان، اصطلاح «ō...wisē kardan» با تقدم ō معنای «احضار کردن به» می‌دهد، اما wisē kardan همچنین به‌معنای تحت‌اللفظی خود «اعزام، ارسال کردن، فرستادن» در مادیان با تقدم az در موارد زیر تأیید شده است (ماتسوخ، ۲۰۱۶: ۱۵۶).

az gōw...wisē kunēd (MHD 75. 7)

«او را از جلسه دادرسی فرستاد.»

az dādwarān ō mowbedān wisē kard (MHD 93. 10)

«او از جانب قضات به سمت موبدان اعزام شد.»

ایرانی *vi+said، اوستایی saēd- به معنای جداکردن، دریدن، پارتی wsyt kyrdan به معنای گسیل کردن، فرستادن؛ منحل کردن، ازهم‌پاشیدن، فارسی نو gusē kardan فرستادن، gusistan ازهم‌گسیختن، قطع کردن؛ لغوکردن (حکم دادگاه) (پریخانیان، ۱۹۹۷: ۳۰۸؛ چئونگ، ۲۰۰۷: ۳۲۷).

در اینجا فعل wisē kunēd فعل امر است که هنگام بیان تجویز و توصیه، ادات ē پیش از سوم شخص مفرد مضارع اخباری به کار می‌رود.

طبرستان اب

سطر ۱

hērbed: «هیربد، آموزگار علوم دینی» (مکنزی، ۱۳۹۴: ۸۹). اما در پهلوی به‌جز مفهوم آموزگار، پیشوای دینی نیز اراده می‌شود که رتبه پایین‌تری نسبت به موبد دارد. طبق آنچه کریستن‌سن آورده است، طبقه روحانیان مشتمل بر چند قسمت بوده است: قضات (dādwar)، و علمای دینی (که پست‌ترین و متعددترین مرتبه آن‌ها صنف مغان بوده و پس از مغان موبدان و هیربدان و سایر اصناف روحانی قرار داشتند) (کریستن‌سن، ۱۳۶۷: ۱۱۹). طبق طبیعت دین پارسی، دین و اخلاق با حقوق به معنی قضائی در پیوند است و قوه داوری به معنی اخص باید متعلق به روحانیان باشد (همان: ۳۲۲). از جملات برخی منابع مانند طبری استنباط می‌شود که انجام برخی امور قضایی هم از وظایف هیربدان هیربد بوده است (همان: ۱۴۰) و به گفته مسعودی نیز هیربدان در سمت قاضی، فتوا صادر می‌کرده‌اند (مسعودی، ۱۳۴۴: ۱۳۶/۲). در اسناد طبرستان، هیربد علاوه بر وظیفه قضاوت یا میانجی، نقش شاهد را نیز عهده‌دار است. حضور او در همه پرونده‌ها - با یا بدون ذکر عنوان - ضروری است، زیرا پرونده باید در جلوی او اتفاق بیفتد.

سطر ۳

mardān: کاربرد واژه‌ای به صورت جمع درحالی که به اسم مفرد اشاره دارد، عجیب به نظر می‌رسد مگر اینکه چنین تصور کنیم که «ان» اشاره به خانواده یا خاندان دارد، اگرچه در خطاب

به اسم یک فرد آمده است، زیرا در مواردی که به اسم مفرد اشاره می‌کند، پیش از اسم ēw آمده است که نشانه مفردبودن است (پژوهشگر در سایر متون چنین ترکیبی را نتوانست بیابد).

سطر ۱۰

xīr: چیز، کار (مکنزی، ۱۳۹۴: ۱۶۳)؛ پریخانیاں ذیل (h)ēr به معنی «چیز، دارایی، گنجینه» آورده است (۱۹۹۷: ۳۶۷). نیبرگ با همین معنی، آن را از *ars(i)ya < ēhr-، اوستایی -aresa-، پارتی (ē/ir)ʿ، yf، فارسی میانه xyf (چیز، موضوع، ماده)، پازند xīr, hir، فارسی نو xīr می‌داند (۱۹۷۴: ۱۰۰). ماتسوخ نیز «چیز، شیء، موضوع مورد اختلاف، دارایی» معنا کرده و بر آن است xīr و xwāstag در مفهوم سه‌گانه اصطلاح لاتین res در قوانین دارایی رومی استفاده می‌شده است. در مادیان هزار دادستان، xīr معمولاً به معنی دارایی، مالکیت، تعلق، و کالا است (ماتسوخ، ۲۰۱۶: ۱۵۶)؛ مثال:

xīr ī pus, duxt, zan ī pādixšāyihā (MHD. 32. 16f)

«دارایی پسر، دختر، و زن پادشا»

سطر ۱۱

zāyestan (zastan-, zāy-): «خواستن، تقاضا کردن» (مکنزی، ۱۳۹۴: ۱۷۰)؛ از ریشه فعل -jad- به معنی درخواست کردن، اوستایی jaδ، فارسی باستان -jad-، فارسی میانه -zay- (چئونگ، ۲۰۰۷: ۲۲۰) و zāyistan-tar: بازجویی باشدت، بازپرسی شدید.

به نظر نمی‌رسد که این عبارت در دیگر متون حقوقی پهلوی به جز طبرستان (سند اب و ۸ب) تأیید شده باشد. خوانش وبر zāyistan به معنی «بازپرسی» خیلی خوب در بافت اسناد حقوقی جای می‌گیرد (ماتسوخ، ۲۰۱۶: ۱۵۸).

tar: در این موارد، احتمالاً tar پسوند مقایسه‌ای نیست، بلکه به صورت قیدی به معنی «بارها، از طریق، در سراسر» تفسیر می‌شود. اینکه tar در اینجا به عنوان پسوند استفاده می‌شود، به این دلیل است که مصدر قبلی بدون استروک پایانی عمودی نوشته شده است (وبر، ۲۰۱۶: ۱۲۴).

nāmag framūd kardan: در شاهنامه فردوسی، عبارت «نامه کردن» اول بار در داستان فریدون آمده است که در آن منوچهر جهت نبرد با سلم به فریدون نامه می‌فرستد (خالقی مطلق، ۱۳۶۶، دفتر یکم: ۱۰۲۵/۱۵۳):

به شاه آفریدون یکی نامه کرد ز نیک و بد روزگار نبرد

نخست از جهان آفرین کرد یاد خداوند خوبی و پاکی و داد

سطر ۱۲

dastwar: «دستور، وزیر، با قدرت»؛ **dastwarīh**: «رسم، اختیار» (مکنزی، ۱۳۹۴: ۶۲)؛ ۱- مرجع دینی، دین‌مرد؛ ۲- مجاز شرعی، دارای رواداشت دینی؛ ۳- واسطه خرید و فروش یا معامله بین دو نفر، مالک قبلی مال (نظری فارسانی، ۱۳۹۷: ۴۷۸-۴۷۷)؛ مالک-صاحب پیشین، **auctor** در حقوق روم باستان: فروشنده یا واگذارکننده یک حق یا عنوان (ماتسوخ، ۲۰۱۶: ۱۵۰).

به‌طور عام، دستور به معنی عرف، قانون؛ قانون آموزه‌های دینی و غیره؛ تصمیم یک مرجع دینی، متخصص در مسائل دینی، متکلم است. فارسی میانه **dstwr** روحانی، پازند **dastūr**، فارسی نو **dastūr** در معنای غیرمذهبی آن. **dast**- از اوستایی **dah** به معنی «آموختن»، **daštva** دکترین مذهبی، پارتی **dst** به معنی توانا، ماهر (نیبرگ، ۱۹۷۴: ۵۹). فصل ۸ مادیان هزار دادستان به احکام مربوط به دستور اختصاص دارد.

به‌نظر ماتسوخ، اصطلاح دستور و اسم آن دستوری (**dastwarīh**) در قانون دارایی و روند قانونی که از مادیان دریافت می‌شود، اصطلاحی فنی است. شکی وجود ندارد که **dastwar** معنای خاصی در حقوق مدنی دارد و دقیقاً معادل **auctor** در حقوق روم باستان است. این اصطلاح دلالت دارد بر «سلف قانونی/مالک-صاحب پیشین» یک دارایی مشخص یا چیز که وی این شیء را از طریق فروش، مبادله، هدیه، میل و رغبت (یا سایر روش‌ها) به فرد دیگری انتقال داده است و باید از مالک جدید (یا مستأجر) در دادگاه به‌عنوان شاهد علیه ادعاهای طرف سوم دفاع و برحق بودن مالک-صاحب جدید را تأیید کند. در شکایت مربوط به حقوق مالکیت، خوانده (یا در برخی موارد خواهان) می‌تواند متعهد شود که با فراخواندن سلف قانونی (**dastwar**) خود، حق مالکیت خود (خواهان یا خوانده) را برای قانونی بودن تصرف یا مالکیت آن دارایی مورد ادعا اثبات کند. برخلاف بار تلمه و به‌دنبال او پریخانیان، دستور در متن حقوقی، «نماینده طرف دعوی، خوانده و همچنین خواهان ... یعنی مأمور، معاون، وکیل» نیست یا آن‌طور که پریخانیان می‌نویسد: «الف- شخصی قدرتمند و ذی‌حق، نماینده قانونی در دادگاه (نماینده طرف دعوا در یک پرونده)، حکم کتبی؛ ب- دستور، وزیر، موبد، صالح در توجیه و تفسیر و تبیین مسائل دینی». اگرچه دستور مجبور بود از شخصی که دارایی را به او منتقل کرده است، در صورت احضار شدن، در دادگاه دفاع کند، او نماینده قانونی خوانده به‌معنای وکیل مدافع نیست. اصطلاحی که برای وکیل مدافع یا نماینده قانونی در این موقعیت به‌کار می‌رود **ǰādag-gōw** است نه **dastwar**. در مورد حقوق مالکیت، خوانده می‌تواند متعهد شود که اثبات کند او

نسبت به دارایی مورد ادعای خواهان حق قانونی دارد با درخواست کردن از شخصی که آن را به او منتقل کرده است (سلف آن) تا در دادگاه شهادت دهد. او این شخص را، که دستور (یا خیلی دقیق‌تر *dastwar ī dārišn* یا *dastwar ī xwešīh ud dārišn* نامیده می‌شود) که از او دارایی را تحویل گرفته است/مالک شده است، باخبر می‌کند و می‌خواهد که در تاریخ مشخص شده در جلسه دادرسی حضور یابد. شهادت *dastwar* می‌تواند در حکم دادگاه سرنوشت‌ساز باشد اگر بتواند ثابت کند دارایی مورد اختلاف قبلاً متعلق به او بوده و او به‌طور قانونی آن را به خواننده انتقال داده است. اگر این شهادت به‌عنوان مدرک در دادگاه پذیرفته می‌شد، خواهان پرونده را می‌باخت. از سوی دیگر، اگر سلف قانونی خواننده نمی‌توانست دادگاه را قانع کند و خواهان پرونده را می‌برد، خواننده می‌توانست در ازای آن، از دستور به‌سبب آسیبی که به او رسانده است شکایت کند (اقامه دعوی کند). اگر ملکی که او فروخته یا به طریقی دیگر به خواننده منتقل کرده است در وهله اول مال او نبوده و بنابراین معامله قانونی نبوده است، دستور مجبور به جبران خسارت می‌شود. این روند به‌وضوح نشان می‌دهد دستور نماینده قانونی یا وکیل مدافع متهم، آن‌طور که بارتلمه و پریخانیان استنباط کرده‌اند نیست، بلکه موقعیتی است که دقیقاً با نقش *auctor* در حقوق روم باستان مطابقت دارد (ماتسوخ، ۲۰۱۶: ۱۵۰-۱۵۱).

عبارت «جلسه دادگاه (دیگری) با حضور دستور تقاضادادن: *ō dastwar zamān* (xwāstan)» (۸، ۱۱)، در مادیان، شبیه به عباراتی است که در اسناد طبرستان آمده است. در اسناد طبرستان، خواننده تعهد می‌دهد در تاریخ مشخص شده به‌همراه شواهد و مدارک (*čim ud bozišn*) و سلف قانونی (*dastwar*) خود یعنی کسی که دارایی مورد ادعای خواهان را از او گرفته است، در دادگاه حاضر شود و ثابت کند ادعای خواهان بی‌اساس است. بنا بر نظر نظری فارسانی، با توجه به نکات مطرح شده و نکاتی همچون در شمار جمع آمدن این واژه چونان افراد یک صنف، و اینکه یک مال می‌تواند دو دستور داشته باشد، و نیز یک فرد می‌تواند نسبت به مال هم دستور باشد و هم شاهد، می‌توان این احتمال را تصور کرد که دستوران واسطه انجام خرید و فروش و معامله بوده‌اند و تعهد داشته‌اند که در صورت بروز مشکل قانونی، از مالکیت خریدار در برابر مدعی دفاع کنند. اگر خرید و فروش یا معامله بدون واسطه انجام می‌شد، فروشنده به‌عنوان دستور شناخته می‌شده است (نظری فارسانی، ۱۳۹۷: ۳۵۴-۳۵۵)؛ مثال:

abar zamān ī ō dastwar ī xwešīh ud dārišn {dahišn}, ud čē-ēwēnag-abāyišnīg ī dastwar, ud čē andar ham dar (Dnk 8; 19. 28).

درباره جلسه‌ای که با حضور دستور تملک و تصاحب ترتیب باید داد، و چگونه باید بودن دستور؛ و هرچه در این باره است.

سطر ۱۳

pahikār/patkār: «بیکار، جنگ، مجادله» (مکنزی، ۱۳۹۴: ۱۱۸)؛ [-pit] فارسی میانه پارتی **phykār**، پازند **patkār** فارسی نو **paikār**، فعل **kartan** و **Nyberg** (uskārtan (1974: 157). از پیشوند *pati- + ریشه فعل **-kar** (انجام‌دادن) (Cheung, 2007, p 236)؛ اظهارات واکنشی؛ اظهارات (در دادگاه)؛ دادخواهی، دادرسی. فارسی میانه مانوی: **phykār** فارسی نو **paykār**، آرامی **payk'ar**، بحث، مشاجره، **paykārīm**: بحث‌کردن، مجادله‌کردن (پریخانیان، ۱۹۹۷: ۳۸۱).

طبرستان ۲ب

pēšēmāl: «مدعی» (مکنزی، ۱۳۹۴: ۱۲۵)؛ به معنای خواهان/شاکی، به وفور در پرونده‌های حقوقی دیده می‌شود. احتمالاً از **pēšēhamāl/r** که **pēš** پیشوند و **hamāl/r** از **hamahl/r** به معنای «جنگ، نزاع» است که از ایرانی باستان ***arθ < -ahl/r** می‌آید. در اوستا، **arθa** «جنگ و نزاع»، **arθa** «خواهان، مدعی»، **arθavan** «خواننده، مدعی علیه»، **arθra** «مرافعه، دعوا»، اوستایی **hamərəθa** «مخالف، حریف، دشمن، هم‌وارد» آمده است. در **pasēmāl** پیشوند **pas** با **hamahl/r** آمده است (پریخانیان، ۱۹۹۷: ۳۶۵).

مثال:

pasēmāl ī ō gōw šawēd abar pēšēmāl saxwan pad kār rāyēnēd ... čak dahišn (MHD. 73. 15).

«در مورد خواهان [باید] سخن مؤثر (گواهی کتبی) [مبنی بر حضور او] ارائه دهد و خواهان در مورد خواننده‌ای که برای گفتن نیامده سخنی [مکتوب مبنی] بر نیامدن [به‌عنوان] سند معتبر بدهد.»

pasēmāl: «مدافع، متهم» (مکنزی، ۱۳۹۴: ۱۲۱)؛ صفت به معنای خواننده/متهم از ایرانی باستان ***pasā-mānθra** «سخنی که پس گفته می‌شود»، برگرفته از **pasā** - قید «پس» و ***mānθra** - «سخن» فارسی باستان **pasā** - پس‌واژه «پس، بعد از» و اوستایی ***mānθra** «سخن، کلام». دیدگاه دیگر این است که شاید برگرفته باشد از **pas** قید و ساخت **hamahr /**

hamahl یا hamāl / hamār > ایرانی باستان: *hamaraθa- از پیشوند -ham و -arəθa- «طرف دعوا» (منصوری، ۱۳۹۵: ۳۴۶)؛ مثال:
pasēmāl ī ō gōw nē šawēd (MHD. 73. 17).
«خواننده‌ای که برای گفتن نیامده...»

سطر ۴

wāng kardan: بانگ کردن، فریادزدن، فارسی میانه wāng، فارسی نو bang (نیبرگ، ۱۹۷۴: ۲۰۲). ماتسوخ هیچ گواهی دیگری از این عبارت در بافت خاص دادخواهی در ادبیات حقوقی پهلوی نمی‌شناسد، اما معتقد است به خوبی با محتوای اسناد مطابقت دارد. به نظر می‌رسد بخشی از کار/کنش رسمی مقرر در روال حقوقی دادرسی بوده است که طرفین دعوا به وضوح و با بیان رسا و بلند در دادگاه اعلام کنند مایل به ورود به دعوا/دادخواهی هستند و بدین وسیله خود را متعهد به اقدام قانونی می‌کنند (ماتسوخ، ۲۰۱۶: ۱۵۶).

سطر ۶

čim: سبب، علت، قصد، معنی (مکنزی، ۱۳۹۴: ۵۹)؛ **bōzišn**: رستگاری؛ پوزش از فعل **bōz**. **bōxtan-** (همان: ۵۳)؛ پوزش، رأی، حکم (صادره در پرونده حقوقی)؛ حق، راست، مالکیت برای استفاده (منصوری، ۱۳۹۵: ۹۵).
čim ud bōzišn: مدارک و شواهد؛ **čim ud bōzišn hammis**: به همراه شواهد و مدارک
čim ud] bōzišn (نیبرگ، ۱۹۷۴: ۵۵)

bōzišn به تنهایی به معنی رستگاری، نجات، رهایی؛ پوزش و عذر و بهانه؛ از فعل **boxtan** رستگارشدن، نجات یافتن (مکنزی، ۱۳۹۴: ۵۳)؛ تبرئه کردن (نظری فارسانی، ۱۳۹۵: ۴۶۸)؛ ۱- پوزش، رأی، حکم (صادره در پرونده حقوقی)، ۲- حق، راست، مالکیت برای استفاده (منصوری، ۱۳۹۵: ۹۴-۹۵). برگرفته از ماده مضارع **boz-** از مصدر **bōxtan-** و **išn** پسوند اسم مصدر.

اگرچه هر دو اصطلاح **čim** و **bōzišn** در متون حقوقی استفاده می‌شود، ترکیب این دو به عنوان یک فرمول خاص در دعاوی قضائی در مادیان دیده نمی‌شود (**čim** در معنای عام «دلیل، علت» به کار می‌رود؛ و **bōzišn** به عنوان «تبرئه، برگه ادای دین، بخشودگی» در دیگر زمینه‌های حقوقی کاربرد دارد). خواننده متعهد می‌شود در دادگاه همراه با شواهد حاضر شود تا ثابت کند دارایی‌های مورد ادعای شاکی را به طور قانونی در مالکیت یا تصرف دارد. برابر پهلوی **bōzišn** در یک معنای خاص «دلیل و مدرک» به شکل **bwzyšt (bozišt)** و

bwzyšn (bozišn) آمده است که برابر با «حجّت» عربی است که در دو متن حقوقی یهودی-فارسی تصدیق می‌شود. همان‌طور که مکنزی نشان داده است که احتمالاً در اصطلاحات حقوقی دوره ساسانی حفظ شده است. عبارت bwzyšn w hwct (bozišn u hujjat) «شواهد و حجّت» حتی می‌تواند صورت قدیمی‌تر čim ud bōzišn باشد که از متون فارسی-یهودی آغازین وارد شده و حجّت به جای čim آمده است. در سیاق پرونده‌های دادگاه، خواننده با این ریختار قانونی صحبت می‌کند و متعهد می‌شود در دادگاه حاضر شود و مدارک و شواهدی را برای مالکیت (تصاحب) قانونی خود از دارایی مورد ادعا بیاورد (ماتسوخ، ۲۰۱۶: ۱۴۹)؛ مثال:

pasēmāl ī ō gōw šawēd abar pēšēmāl saxwan pad kār nē rāyēnīd čak dahišn ēn-iz bōzišn. (MHD. 74. 2-3)

«و باید به آن خواننده‌ای که برای گفتار آمده درباره خواهان سند معتبری مبنی بر عدم ثبت گوهی کتبی داد. این (= تنظیم دو سند جدا) همچنین راه‌حل است.»

طبرستان ۳(ب)؟

سطر ۶

pādan, pāy-: «ایستادن، منتظر شدن» (مکنزی، ۱۳۹۴: ۱۱۶)؛ ماندن، فارسی میانه pāy- . به نظر وبر، <NTRWNt> فرمی فرعی از <NTLWN> pādan به معنی ۱- «محافظت کردن، مراقبت کردن، دفاع کردن» و ۲- «ماندن، منتظر شدن (در دادگاه)» است و به فرم آرامی $\sqrt{\text{nt}}$ بسیار نزدیک است. در هر دو مورد، اساس آرامی با R است و نه با L، همان‌طور که در کتاب پهلوی رایج است. در اینجا، معنای «ماندن» لازم است که از سه خط عمودی ضمیمه شده حاصل می‌شود (وبر، ۲۰۱۶: ۱۲۸).

عبارت pad gōw pādan به معنی «ماندن/منتظر ماندن در جلسه دادرسی» در «حضور قاضی» (pēš ī dādwar) در متون حقوقی است. صورت جلسه دادگاه نه تنها حضور هر دو طرف دعوا یا حسب مورد فقط یکی از طرفین دعوا در دادگاه، بلکه این واقعیت را نیز نشان می‌دهد که کسی که آمده، برای مدت مشخصی منتظر حضور دیگری بوده است (ماتسوخ، ۲۰۱۶: ۱۵۵).

مثال:

sē rōzag pad gow be pāyišn (MDH 71. 10)

«سه روز بر اساس [آن] گفته باید صبر کند.»

ō war gāh šud čand pād(an) (DKM 707. 304)

«به جای (گاه) سوگند خوردن رفت و مدتی منتظر شد.»

سطر ۸

ḵādag-gōw: «وکیل، شفیع» (مکنزی، ۱۳۹۴: ۹۳)؛ وکیل مدافع، نماینده قانونی، میانجی (ماتسوخ، ۲۰۱۶: ۱۵۳)؛ ۱- کارگزار حقوقی (پیشه)، ۲- مدافع حق، حامی فقرا (منصوری، ۱۳۹۵: ۲۳۹). از <ایرانی باستان *yātaka-gauba- برگرفته از *yātaka- اسم «بخش، بهر، سهم»؛ اوستایی yāta- «بهره، قسمت» و gauba- (ستاک حال) از ریشه gaub- (گفتن)؛ فارسی میانه مانوی ḵādag- «بهر، سهم»؛ ارمنی (وام‌واژه) ḵatagov فارسی میانه زردشتی ḵādag «بهر، سهم»؛ پازند ḵādangō. (منصوری، ۱۳۹۵: ۲۳۹). وبر در توضیحات خود می‌گوید واژه ḵādag-gōw به راحتی پذیرفته نمی‌شود، زیرا دو یا سه حرف پایانی واژه (<'y'tk-gwb'-c>) حداقل در دو مورد استروک عمودی پایانی دارند. تنها شکل ممکن که هم *مادیان هزار دادستان* و هم فرهنگ *پهلوی* می‌شناسند ḵādag-gōw واژه‌ای برای وکیل مدافع است. بنابراین، منطقی به نظر می‌رسد که این واژه باید با پسوند قیدی <-c> به جای <-yc> بیاید. بنابراین، ترجمه خاص «وکیل مدافع او نیز نیامد» داده می‌شود. اینکه دو مورد استروک پایانی <'y'tk-gwb'-c> حفظ می‌شود تعجب‌آور نیست، زیرا همین ویژگی مشابه در همه موارد <-tswk'-c> نیز دیده می‌شود (وبر، ۲۰۱۶: ۱۲۸-۱۲۹).

شاکیان می‌توانند در یک دعوی از شفاعت‌کننده یا وکیل مدافع برای نمایندگی خود در دادگاه استفاده کنند. این اصطلاح به‌طور خاص نشان‌دهنده شخصی است که در یک پرونده حقوقی مدعی اصلی (mādagwar) مطرح می‌شود و می‌تواند، براساس شواهد، هم وکیل مدافع به معنای امروزی کلمه، یعنی فردی که در حقوق تحصیل کرده است، باشد و یا شخصی عادی با مأموریت از جانب یکی از مدعیان برای صحبت در دادگاه (توجه به این نکته مهم است که نباید این اصطلاح با dastwar اشتباه شود). با توجه به موارد متعدد، کاملاً روشن است که ḵādag-gōw می‌تواند شخصی عادی باشد؛ به عنوان مثال، وقتی مادر (kadag-bānū) سرپرست خانواده (dūdag-sālār) را تعیین می‌کند که به نمایندگی از او در دادگاه حاضر شود. اصطلاح ḵādag-gōw ī pēšēmāl یا به ḵādag-gōw ī pasēmāl به ترتیب به نماینده قانونی خواهان و خوانده اشاره دارد. شخص دیگری می‌تواند جایگزین نماینده قانونی در این وظیفه شود؛ مثلاً ḵādag-gōw jādag-gōw ī pasēmāl «جانشین وکیل متهم».

افعالی که برای انتصاب ḵādag-gōw استفاده می‌شود عبارت است از:

۱- gumārdan: منصوب کردن، گماردن؛ به عنوان مثال: ḵādag-gōw ī...pad dūdag

gumārēd: نماینده قانونی برای خانواده منصوب کند.

۲- kardan: برگزیدن، گماشتن؛ به عنوان مثال: ka ēk ōy ī did ḵādag-gōw kunēd

«هنگامی که یک نفر فرد دیگری را به‌عنوان نمایندهٔ قانونی برگزیند (ماتسوخ، ۲۰۱۶: ۱۵۵).

در فارسی میانهٔ ساسانی از مقامی تحت‌عنوان *Driyōšān jādag-gōw ud Dādwar* «شفاعت‌کننده و قاضی فقرا» یاد می‌شود. به‌نظر دومناش، *jādag-gōw* نه «شفیع» و نه یک وکیل حرفه‌ای، بلکه دستیار نیازمندان - کسانی که «از اعتبار و نفوذ محروم‌اند» - و محافظ فقراست. *Dādwar* به‌معنای قاضی است، احتمالاً در درجهٔ دوم لیست بزرگان بسیار پایین است. از طریق مهرهای ساسانی است که می‌دانیم ادارهٔ *driyōšān jādag-gōw ud dādwar* در استان‌های متعددی وجود داشته است؛ ضمن اینکه این نهاد را روحانیت مزدایی اداره می‌کردند، زیرا امور قضایی به‌طور معمول توسط روحانیت نظارت می‌شد (ژینیو، ۲۰۰۵).

طبرستان ۴ الف

سطر ۲

نگارش <d> آغازین *Dēn* در *Day pad Dēn* قابل توجه است که به‌شکل <dd> نوشته شده است. این حرف تنها در اسناد طبرستان و منحصراً در این واژه (حتی اگر نخستین عنصر یک اسم خاص هم باشد) به‌کار رفته است و یادآور الفبای کتیبه‌ای دورهٔ ساسانی آغازین (early inscripational writing) است (وبر، ۲۰۱۶: ۱۳۰).

سطر ۳

dādestān: داد، داوری، قانون؛ روند، مورد (قانونی) (مکنزی، ۱۳۹۴: ۶۰)؛ قانون، محاکمه، پروندهٔ قضایی (نظری فارسانی، ۱۳۹۵: ۴۷۴)؛ دعوی حقوقی، رأی دادگاه، حکم، قضاوت (منصوری، ۱۳۹۵: ۱۱۴)؛ واژه‌ای حقوقی به معنی قضاوت، داوری؛ رأی، حکم حقوقی؛ دادرسی، محاکمه، دادخواهی، کار قضایی؛ و قانون است. فارسی میانه *dādystān*، پازند *dāēsta*، فعل سنسکریت *nyāya*، فارسی نو *dāstān* (قصه، داستان) (نیبرگ، ۱۹۷۴: ۶۱)؛ ایرانی باستان **dāta.stāna*، برگرفته از *-data* (در اصل صفت مفعولی) «نهاده‌شده، وضع‌شده»؛ قابل مقایسه با فارسی باستان و اوستایی *-dāta* اسم به معنی «داد، قانون» و **stāna* اسم «جا» از ریشهٔ *-stā* «ایستادن»

dādestān dādan: ترتیب‌دادن رسیدگی حقوقی، قضاوت کردن

dādestān kardan: داوری کردن، رسیدگی حقوقی کردن

dādestān rāyēnīdan: داوری کردن، رهبری کردن رویه حقوقی
 dādestān rāyēnišn: راهبری رویه حقوقی (منصوری، ۱۳۹۵: ۱۱۵).

سطر ۷

xwāstag: خواسته، ثروت (مکنزی، ۱۳۹۴: ۲۹)؛ چیز، شیء قانونی، خواسته، دارایی، مال، مسئله مورد اختلاف (ماتسوخ، ۲۰۱۶: ۱۵۷)؛ مال‌الارث (نظری فارسانی، ۱۳۹۵: ۵۷۱)؛ از ماده ماضی (به‌عنوان اسم) *xwāst* (از مصدر *xwāstan*) و *ag-* پسوند صفت‌ساز؛ ایرانی باستان **xwāsta* - از ریشه *xwad* - «آرزو کردن، دوست داشتن»، فارسی میانه مانوی *xwāstag* «خواسته، دارایی»، پازند *xwāsta*، فارسی *xāsta* (منصوری، ۱۳۹۵: ۵۰۵).

سه کاربرد اساسی *res* لاتین (چیز) در قانون دارایی رومی تقریباً به‌طور دقیق با *xwāstag* در حقوق ساسانیان شباهت دارد. شباهت‌ها نشان می‌دهد که مشاوران حقوق ساسانی به مسائل املاک در سطح بسیار انتزاعی رسیدگی می‌کنند: همچنین، *xwāstag* معنای حقوقی «چیز، شیء» دارد با اشاره به تمام اشیاء حقوقی (در مقابل اشخاص یا موضوعات حقوقی) بدون مشخص کردن ویژگی‌های خاص آن‌ها. در زمینه حقوق مالکیت، دلالت دارد بر:

۱- «شیء، چیز» به‌معنای انتزاعی که طیف وسیعی از معانی اشیاء حقوقی با ماهیت کاملاً متفاوت را شامل می‌شود؛ مانند اموال غیرمنقول (املاک، یک قطعه زمین، باغات، درختان، کانال‌ها، خانه‌ها و غیره) و اموال منقول (کالاها و اجناس، گاو، بردگان، پول و غیره)، مشابه کاربرد *res* لاتین به‌معنای «چیز یا شیء تک و محدود، از نظر قانونی مستقل».

۲- «موضوع مورد مناقشه، موضوع مورد بحث» به‌معنای خاص با اشاره به هر چیزی که می‌تواند مورد دعوی حقوقی قرار گیرد، مشابه کاربرد *res* لاتین در معنای «موضوع (خصوصی) یا دعوی حقوقی (موضوع حقوقی)».

۳- «دارایی، ثروت، ارزش» به‌معنای عام، از جمله شامل کل دارایی یا ارث خانوادگی (*abarmānd*)، مشابه معنای کلی *res* لاتین به‌عنوان «دارایی کل».

این واژه در معنای چهارم، یعنی «پول» نیز به‌کار می‌رود، اما با توجه به نسخ خطی پهلوی از این سه کاربرد متمایز می‌شود. خواسته می‌تواند دارای دو معنی باشد: ۱- دارایی، مال، ۲- پول. اگر به معنای «دارایی، مال» باشد، به شکل هزوارش *NKSYA* و اگر به‌معنی «پول» باشد، به شکل غیرهزوارش *hw'stak* می‌آید.

تأیید *xwāstag* در متون حقوقی، همچنین در ترکیب‌های خاصی که معنای واژه را تعدیل یا مشخص می‌کنند، فراوان است؛ مانند *xwāstag ī mad* (به‌معنی «دارایی که آمده

است» و «دارایی که خواهد آمد»، تعیین افزایش دارایی موروثی خانواده توسط کار یا سود شخصی با معنای bona adventitia در حقوق روم (همچنین «دارایی» که آمده است و خواهد آمد) در قانون ساسانیان؛ به‌عنوان مثال: xwāstag ī ō man rasēd اموالی که به من خواهد رسید (مادیان، ۱۷ و ۲)؛ xwāstag ī ō xwēših mad مالکیت/چیزی که به مالکیت فرد درآمد (مادیان، ۷. ۱). سایر ترکیبات تکراری عبارت‌اند از وام (به‌معنای «گرو، دارایی رهنی»؛ xwāstag ī xwēš)؛ «اموال/چیزهای در مالکیت» (۴. ۱۷)؛ xwāstag ī kasān «اموال/چیزهای متعلق به طرف سوم» (ماتسوخ، ۲۰۱۶: ۱۵۷).

سطر ۸

ēg-iš: آنگاه، پس (مکنزی، ۱۳۹۴: ۷۰). iš به ماهوی برمی‌گردد.

تعلیقات طبرستان ۱۰ الف

سطر ۱

nwš'dyb't': به نظر وبر، فرم بسیار کوتاه‌شده مؤدبانۀ anōšayād است. در زیر پارگی پارچه، مخفف نماز به‌وضوح دیده می‌شود. در نسخه به‌صورت درشت و پررنگ مشخص شده است، زیرا با این واژه خطاب نامه (با ذکر گیرنده نامه) تمام می‌شود. جمله بعدی تا drōd که پررنگ نوشته شده، نام فرستنده را به‌دست می‌دهد، و پس از آن پیام اصلی نامه آغاز می‌شود (وبر، ۲۰۱۶: ۱۴۲).

طبرستان ۱۵ الف

سطر ۴

zamān: زمان، ساعت (مکنزی، ۱۳۹۴: ۱۶۸)؛ zamān: پارتی jam'n و ام‌واژه ارمنی žam, zamanak، فارسی میانه zm'n، پازند jamān، فارسی نو zamān, zaman، قرض داده‌شده به آرامی و عربی از gam-، فعل amatan و zām (نیرگ، ۱۹۷۴: ۲۲۸).

zamān kardan: زمان جلسه دادرسی را تعیین کردن؛ زمان تعیین کردن، قرار گذاشتن (ماتسوخ، ۲۰۱۶: ۱۵۸)؛ جلسه دادگاه را مشخص کردن (پریخانیان، ۱۹۹۷: ۴۰۶).

کار رسمی تعیین تاریخ برای جلسه دادرسی یا تعیین تاریخ خاص برای فراخواندن سلف قانونی (dastwar) در بافت دعاوی حقوقی با افعال متفاوتی تأیید می‌شود: ۱- kardan؛ مثلاً: zaman ō gōw kardan «تعیین تاریخ برای جلسه دادرسی» (مادیان، ۷۰۶).

۱۲). ۲- dādan؛ مثلاً: zaman ī ō dastwar ōh dahišn «تاریخی برای فراخواندن نماینده قانونی باید تعیین شود» (مادیان، ۵، ۱۶). تاریخ مشخص برای جلسه شنیدن شهادت auctor یا سلف قانونی zaman ī ō dastwar/dastwarān نامیده می‌شد.

سطر ۵

وبر <LZNE ŠNT> = «امسال» و ژینیو ama sāl <LNE ŠNT> «سال ما» خوانده است. به نظر وبر، این باید اشاره‌ای باشد به دوره پسایزدگردی و نه کاربرد در دوران اسلامی. <LZNE> اغلب بسیار ساده نوشته می‌شود، به طوری که به صورت <LNE> شبیه‌سازی می‌شود؛ اما در عبارت موازی در سند ۷ الف نوشتار LZNE بدون ابهام است. بنابراین، این تفسیر در اینجا ترجیح داده می‌شود. LZNE همچنین در اسناد بایگانی پهلوی به خوبی تأیید شده است (وبر، ۲۰۱۶: ۱۳۲).

سطر ۶

وبر معتقد است ژینیو این سطر را کاملاً اشتباه درک کرده است. واژه gōw یک اصطلاح حقوقی و نشان‌دهنده شهادت‌دادن در دادگاه است. عبارت "ō gōw āmadan" «برای شهادت‌دادن آمدن» در این اسناد حقوقی کاملاً استاندارد است. باقی سطر دشوار است، زیرا در اسناد دیگر چیزی وجود ندارد که بتوان با آن مقایسه کرد. **tāg**: «تا؛ شاخه، فقره؛ تنها، تک» (مکنزی، ۱۳۹۴: ۱۴۴). وبر خوانش tāg ī band را محتمل‌ترین و معنی tāg را «فقره، آیت، واحد» می‌داند (وبر، ۲۰۱۶: ۱۳۳)، در حالی که ژینیو این واژه را pad ī bun خوانده است.

سطر ۷

pad abarag کاملاً مشخص است که به مقام ارشد اشاره دارد. **abarag**: در کتاب دینکرد هشتم، دو مورد abarigan به معنای برتر و abarigih (برتری، تفوق) دیده شد که در زیر می‌آید:

abar abarigānih ī mowbedān mowbed pad wizīr kardan wardenīdan, en-īz ku pad cihr kadār wizīr ī kard wardenīdan abarigān (DnK 8. 19, 57)

«درباره برتری موبدان موبد به حکم کردن [و حکم را] برگرداندن؛ نیز اینکه [آن فرد] برتر (موبدان موبد) کدام حکم صادر شده را ماهیتاً باید تغییر دهد.»

abarigān sāmān ī āgāhdādih abar wizīr ud dādwarīh (DnK 8. 42, 9)

«چهارچوب برتر خبرگی در قانون در خصوص حکم و قضاوت.»

طبرستان ۶الف

سطر ۲

به نظر ژینیو واژه نخست āzarīh <člyh> و احتمالاً مشتق از āzar* است، چراکه در سند ۱۵ صورت فعلی āzardan و āzardan آمده است؛ اما وبر آن را Šēdrēš = <šytlyš> و نامی خاص و اختصاری می‌داند به معنی با «ریش سفید» (وبر، ۲۰۱۶: ۱۸). ژینیو در مورد بخش اول این نام (Šēd) می‌نویسد: نام اختصاری xvaršēd یا ترکیبی از xšaita* به معنی درخشان (ژینیو، ۱۹۸۶: ۱۶۴، ن: ۸۷۵).

سطر ۳

ژینیو برخلاف وبر که āzarīh tasūg-iz ī Dēl-Dēlān deh خوانده است، <ptkwč Y slsl'n MTA> paygōz ī Sarsarān deh خوانده و سپس گفته است که به نظر او Sarsarān اشتباه است و باید Sarw ī saran می‌بود (ژینیو، ۲۰۱۲: ۵۲).

سطر ۵

ژینیو در توضیح (ī naxust) آورده است که کاتب برای تأکید این نکته که فروردین نخستین ماه سال است، این واژه را بالای سطر افزوده است (53: 2012). همچنین سال را ۸۷ خوانده است؛ اما وبر عدد سال را ۸۶ خوانده و در تصحیح خود <I> را به متن اصلی افزوده و بر آن است عدد سالی که در متن اصلی به عنوان ۸۶ داده شده نادرست است، زیرا باید اولین ماه سال بعد یعنی ۸۷ باشد. همچنین با استناد به سند ۷الف، معتقد است Frawardīn ī naxust باید nazdist Frawardīn خوانده شود (وبر، ۲۰۱۶: ۱۳۴). nazdist از اوستایی nazdišta- (adj) به معنی «اول» است (نیبرگ، ۱۰۷۴: ۱۳۷).

طبرستان ۶ب

سطر ۴

عبارت وابسته (تبعی) ābar ēn nāmag nibišt ēstēd ābar ēn nāmag مشابه سند ۷ب، ābar ēn nāmag nibišt است. در حالی که در اینجا صورت رایج n'mk' برای nāmag به کار رفته است، در سند ۷ب، هزوارش نادر <GTKA> آمده است، که بدین وسیله nāmag در این قالب حقوقی معنای خاصی می‌یابد: سند (صورت جلسه دادگاه) (وبر، ۲۰۱۶: ۱۳۶). همچنین، وبر در پانویشت تصریح می‌کند این عبارت بارها در اسناد «بایگانی پهلوی» در ریختار pad nāmag ī

nēk تأیید می‌شود. ممکن است با این ریختار، سند به‌عنوان یک سند رسمی طبقه‌بندی شود؛ به‌عنوان مثال، در فهرست قیمت مواد غذایی (برکلی ۴۹ و برکلی ۹۷) (همان).

۳ نتیجه‌گیری

بایگانی طبرستان، نوشته‌شده به خط پهلوی میانه ساسانی، از جمله مهم‌ترین و اصیل‌ترین اسنادی است که تاکنون پیدا شده است و تأیید می‌کند که در دو قرن اولیه هجری (م.۸) و پس از حمله اعراب به ایران، زبان و خط پهلوی همچنان در این منطقه تداوم داشته و در زندگی اجتماعی مردم جاری و ساری بوده است. نخستین بار، از سوی مالک خصوصی این بایگانی در اختیار فیلیپ ژینیو قرار گرفت و او اقدام به بازخوانی و تفسیر اسناد کرد و در سال ۲۰۱۲ سری اول این مجموعه و در سال ۲۰۱۴ سری دوم را در مجله *res orientales* به چاپ رساند. پس از ژینیو، دیترو وبر اسناد را بازخوانی و تا اندازه بسیاری خوانش وی به رمزگشایی اسناد کمک کرد. خوانش و ترجمه اسناد نشان داد این مجموعه شامل نامه‌ها و صورت‌جلسه‌های حقوقی در مورد مسائل روزمره و شکایات مردم روستایی به نام *اسپگرد از تسوگ دل‌دلان واقع در طبرستان است. سپس، ماریا ماتسوخ با قراردادن این اسناد در چهارچوب متون حقوقی ساسانیان و بازسازی روند دادگاه بر اساس کتاب *مادیان هزار داستان*، این اسناد را تفسیر کرد.

بررسی ۱۰ سند نخست (به‌جز سند ۹) نشان داد آن‌ها نامه‌ها و صورت‌جلسات دادگاه هستند که به‌لحاظ محتوایی به یکدیگر مرتبط و در ادامه هم هستند. از فحوای آن‌ها اینگونه استنباط می‌شود که اقدام حقوقی با شکایت خواهان علیه خواننده آغاز می‌شود. شکایت می‌تواند در مورد موضوعات مدنی (مناقشه در مورد دارایی، عدم پرداخت بدهی، عدم اجرای پیمان و قرارداد، و...) یا یک عمل مجرمانه (شامل کلاهبرداری، تقلب، سرقت، دزدی، آسیب بدنی، و...) علیه طرف دیگر یا افراد تحت سرپرستی او باشد، زیرا این جرایم مشمول پیگرد خصوصی است. روش‌های رسمی این پرونده‌ها به چندین مرحله تقسیم می‌شد که بر اساس اسناد قضائی طبرستان از هم متمایز می‌شوند:

۱- خواهان علیه خواننده اقامه دعوا می‌کند.

۲- جلسه اولیه برگزار و در آن هویت طرفین مشخص می‌شود و به دادگاه احضار

می‌شوند.

- ۳- طرفین اظهارات خود را در دادگاه بیان می‌کنند، برای ورود به دعاوی حقوقی اعلام آمادگی می‌کنند و مدارک خود را ارائه می‌دهند. یک صورت‌جلسه حضور آن‌ها را در دادگاه یا عدم پیگیری احضاریه را تأیید می‌کند.
- ۴- شواهد به شیوه‌های گوناگون تهیه می‌شود: ۱- به وسیله ارزیابی اسناد ارائه‌شده توسط دادخواه در مورد مالکیت اموال مورد اختلاف؛ ۲- بازجویی شاهدان؛ ۳- فراخواندن مالک پیشین (dastwar) جهت دفاع کردن از ادعای خوانده نسبت به اموال مورد اختلاف؛ ۵- از طریق سوگند یادکردن.
- ۵- داوری دادرسی

پس از تسلیم شکایت از سوی خواهان، بررسی اولیه توسط مقام زیردست (با توجه به اسناد طبرستان) صورت می‌گیرد. تاریخی برای استماع در حضور مأمور حوزه قضائی در وهله نخست، دادور و قاضی در قانون ساسانیان، یا یک هیربد در اسناد طبرستان تعیین می‌شود و طرفین دعوا برای حضور در دادگاه فراخوانده می‌شوند. طرفین دعوا یا وکیل آن‌ها باید در تاریخ تعیین شده در دادگاه حضور می‌یافتند. در مرحله نخست دادخواهی، خواهان و خوانده با گفتن «شکایت داریم» برای ورود به دعوا اعلام آمادگی می‌کردند. شاکی/شاکیان مورد خود را در حضور هیربد (در اسناد طبرستان) بیان می‌کردند.^۱ اظهارات هر دو در صورت جلسات (در اسناد طبرستان nāmag که به صورت هزوارش GTK جهت تمایز آن از nāmag به معنی نامه نوشته شده است) ثبت می‌شد. اگر یکی از طرفین در دادگاه حاضر نمی‌شد، در صورت جلسه با این واژه‌ها حضور یک طرف را ثبت می‌کردند که از احضاریه اطاعت کرده است: o. gōw āmad pād. به علاوه، خوانده خواسته خود را برای پیگیری احضاریه در جلسه بعدی و ارائه مدارک و شواهد (čim ud bōzišn) به آن‌ها اعلام می‌کند. امتناع از حضور در دادگاه به عنوان مانعی در دادرسی تلقی می‌شد (azišmānd) که جریمه آن حکمی موقت متشکل از جریمه یا تعهدی معادل ارزش اموال مورد مناقشه بود تا کلاً این موضوع خاتمه یابد. اصطلاح azišmānd اصطلاحی برای همه اقدامات منعکس‌کننده «بی‌احترامی به دادگاه» یا «مانع اجرای دادرسی و عدالت شدن» از جانب طرفین دعوا در روند دادخواهی بود؛ نه تنها به سبب عدم پیروی یکی از طرفین از احضاریه، بلکه دیگر اقدامات نظیر انحراف اظهارات دو وکیل مدافع طرفین در دادگاه، مداخله عمدی

۱. در زمان ساسانیان، خواهان و خوانده با حفظ فاصله سه‌گام اظهارات/دفاعیه خود را ارائه می‌کردند (سه‌گام ظاهر در ارتباط با قواعد اخلاقی سه‌گانه زردشتیان یعنی گفتار نیک، پندار نیک، و اندیشه نیک است).

در نتیجه مراحل قانونی با تلاش برای به‌زور به‌دست‌آوردن اموال مورد‌مناقشه از خواهان پیش از اینکه حکمی صادر شود، امتناع یکی از طرفین از سوگندخوردن، و سایر مواردی از این دست. اگر هریک از این موارد سه بار توسط همان فرد رخ می‌داد، قاضی حکم نهایی را علیه طرف مقابل صادر می‌کرد و پرونده دادرسی خاتمه می‌یافت.

مرحله بعدی فراهم‌آوردن شواهد است که می‌تواند شامل شهادت شاهدان باشد یا اسناد مکتوب که اعتبارشان را باید قاضی بر طبق مهرهای آن‌ها (اگر حاوی مهر بودند) ارزیابی می‌کرد، یا سوگند می‌خوردند. راه دیگر تهیه شواهد در یک مناقشه بر سر حق مالکیت، احضار شخصی بود که قبلاً مالکیت دارایی مورد اختلاف را داشته است. این شخص دستور (dastwar) نامیده می‌شد. دستور اصطلاحی است که در حقوق مدنی به شخصی اطلاق می‌شده است که قبلاً مالک دارایی مورد اختلاف بوده است که خوانده آن را از طریق فروش، مبادله، یا هرگونه معامله دیگر به‌دست آورده و انتقال آن قانونی بوده است. دستور می‌تواند به دادگاه فراخوانده شود تا از خوانده در مقابل خواهان دفاع کند و به‌نفع او شهادت دهد. به‌این ترتیب، دستور وکیل یا مدافع نبود، بلکه صرفاً شخصی بود که وظیفه داشت ضمانت کند شیئی که او به خوانده منتقل کرده بود، متعلق به خواهان نیست.

منابع

- اسدی طوسی، ابونصر علی‌بن‌احمد (۱۳۱۹). لغت فرس. به اهتمام عباس اقبال، تهران: چاپخانه مجلس.
- انصاف‌پور، غلامرضا (۱۳۵۲). تاریخ زندگی اقتصادی روستاییان و طبقات اجتماعی ایران (از دوران ماقبل تاریخی تا پایان ساسانیان). جلد اول، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- انوری، حسن (۱۳۸۱). فرهنگ فشرده سخن. تهران: سخن.
- پریخانیان، آنایت (۱۳۸۹). «جامعه و قانون ایرانی». تاریخ ایران کمبریج (از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان)، جلد سوم قسمت دوم، ترجمه حسن انوشه، تهران: امیرکبیر.
- جمالی، نیما (۱۳۹۶). «نامگ: مختصری در ریشه‌شناسی و معنی‌شناسی». ایران‌نامگ، ۲(۳).
- حاجی‌پور، نادیا (۱۳۹۹). مادیان هزار دادستان (بخش دوم از رونوشت مودی). ج. ۲، تهران: فروهر.
- خالقی مطلق، جلال (۱۳۶۶). شاهنامه فردوسی. تهران: دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- دهخدا، محمد (۱۳۴۵). لغت‌نامه دهخدا. زیر نظر محمد معین و محمدجعفر شهیدی، ج. ۳ و ۷، تهران: مؤسسه لغت‌نامه دهخدا.
- رضاخانی، خداداد (۱۳۹۹). «در جستجوی هسپین‌رز Haspin-raz و جغرافیای آرشیو طبرستان». ترجمه جواد لطفی نوذری، فصلنامه تاریخ و باستان‌شناسی مازندران، ۱(۱).

- عربان، سعید (۱۳۹۲). *راهنمای کتیبه‌های ایرانی میانه پهلوی-پارتی*، تهران: علمی.
- فرنیغ‌دادگی (۱۳۹۵). *بندهشن*. به‌کوشش مهرداد بهار، چاپ پنجم، تهران: توس.
- کریستین‌سن، آرتور (۱۳۶۷). *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه رشید یاسمی، چاپ پنجم، تهران: امیرکبیر.
- مسعودی، علی‌بن‌حسین (۱۳۴۴). *مروج‌الذهب و معادن‌الجوهر*. ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مکنزی، د. ن. (۱۳۹۴). *فرهنگ کوچک زبان پهلوی*، ترجمه مهشید میرفخرایی، تهران: پژوهشگاه علوم‌انسانی و مطالعات فرهنگی.
- منصوری، یدالله (۱۳۹۵). *فرهنگ حقوقی زبان پهلوی (فارسی میانه)*. تهران: آوای خاور.
- نصراله‌زاده، سیروس (۱۳۹۸). *کتیبه‌های خصوصی فارسی میانه ساسانی و پس‌اساسانی (گورنوشته و یادبودی)*. جلد ۱، تهران: پژوهشگاه علوم‌انسانی و مطالعات فرهنگی.
- نظری فارسانی، محسن (۱۳۹۷). *کتاب هشتم دینکرد*. تهران: فروهر.

- Cheung, Johnny (2007). *Etimological Dictionary of the Iranian Verb*. Edited by Alexander Lubotsky, USA: Brill.
- Gignoux, Philippe (1986). *Noms Propres Sassanides en Moyen-Perse Épigraphique*. Wien: Österreichische Akademie der Wissenschaften.
- Gignoux, Philippe (2005). *Driyōšānjādag-Gōw ud Dādwar*. *Encyclopedia of Iranica*.
- Gignoux, Philippe (2012). *Une Archive post-Sassanide du Tabarestān (I). Documents, argenterie et Monnaies de Tradition Sassanide, Res Orientales, Vol. XXII*.
- Gignoux, Philippe (2014). *Une Archive post-Sassanide du Tabarestān (II). Objets et documents inscrits en Pārsīg, Res Orientales, Vol. XXI*.
- Gyselen, Rika (2012a). "Le Tabarestān: Lieu de Memoire Sassanide." *Objets et Documents Inscrits en Pārsīg, Res Orientales, Vol. XXI*.
- Gyselen, Rika (2012b). "Scellements dans L'archive Post-Sassanide du Tabarestān (1)." *Objets et Documents Inscrits en Pārsīg, Res Orientales, Vol. XXI*.
- Macuch, Maria (2016). "The Legal Context of the Tabarestān Court Records (TAB 1-8, 10)." *Word and Symbols: Sasanaian Objects and the Tabarestān Archive, Res Orientales, Vol. XXIV*.
- Nyberg, Henrik Samuel (1974). *A Manual of Pahlavi*. Wiesbaden: Harrassowitz.
- Perikhaninan, Anahit (1997). *The Book of a Thousand Judgement (a sasanian LawBook)*. Tr. Nina Garsoian. NewYork.
- Rezakhani, Khodadad (2020). Notes on the Pahlavi Archives I: finding *Haspin-raz and the Geography of the Tabarestan Archive. *The Digital Archive of Brief Notes & Iran Review (DABIR)*, No. 7: 119-127.
- Weber, Dieter (2016a). "Court Records of Lawsuits in Tabarestān in the Year 86/7 PYE (737 CE): A Philological Examination." *Word and Symbols: Sasanaian Objects and the Tabarestān Archive, Res Orientales, Vol. XXIV*.
- Weber, Dieter (2016b). "Two Documents from Tabarestān Reconsiderd (TAB 12 and 26)." *Word and Symbols: Sasanaian Objects and the Tabarestān Archive, Res Orientales, Vol. XXIV*.
- Weber, Dieter (2017). "Pahlavi Legal Documents from Tabarestān on Lease, Loan and Compensation: A Philological Study (TAB, 13, 14, 15, 17, 18 and 23)." *Sasanian Coins, Middle-Persian Etymology and the Tabarestān Archive, Res Orientales, Vol. XXVI*.
- Weber, Dieter (2019). "Pahlavi Legal Documents from Tabarestān Two Claims and a

Re-Evaluation of Crop Yields: A Philological Study of TAB. 21, 22, and 24.” *Sasanian Persia and the Tabarestān Archive, Res Orientales, Vol. XXVII*.
Weber, Dieter (2020). “Pahlavi Legal Documents from Tabarestān: The Documents TAB. 11, 28, and 27: A Philological Approach.” *Persia (552 BCE-758CE): Primary Sources, Old and New, Res Orientales, Vol. XXVIII*.

استناد به این مقاله: نوری، اکرم؛ نصراله زاده، سیروس. (۱۴۰۱). بررسی ده سند از اسناد پهلوی ساسانی بایگانی طبرستان. زبان و زبان‌شناسی ۱۸(۳۶)، ۱۳-۱۶. doi: 10.30465/lsi.2023.45150.167509:51

